



<https://jas.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Applied Sociology

E-ISSN: 2322-343X

Vol. 34, Issue 2, No.90, Summer 2023, pp. 101-122

Received: 31.12.2022 Accepted: 28.05.2023

Research Paper

Qualitative Typology of Attitude towards Marriage among Unmarried Students of Isfahan Universities

Mohammad Saleh Tayebnia

Assistant Professor, Ahl al-Bayt Education Group, Ahl al-Bayt, Faculty of Theology and Education, University of Isfahan, Isfahan, Iran
ms.tayebnia@ahl.ui.ac.ir

Rahele Kardavani  *

Researcher of Family Group, Mehrestan Research Institute (governance studies), University of Isfahan, Isfahan, Iran
kardavani@mehrestan.ir

Saeedeh Yaraghi

Researcher of Family Group, Mehrestan Research Institute (governance studies), University of Isfahan, Isfahan, Iran
sayrghy@gmail.com

Introduction

Marriage as a social contract is considered to organize the family institution and an inevitable necessity for reproduction of the family institution and cohesion of the society. At present, with the change of societies, we are witnessing a change in the values of marriage and a tendency towards individualized marriages, a kind of non-traditional form of joint life among people. In other words, it can be concluded that in the new world, there are mostly human actors, who regulate the state of the marriage phenomenon and its forms and formation. In Iran, we are also witnessing changes in attitudes and forms of marriage, lack of importance and priority of marriage in life, increasing age of marriage or prolonging period of celibacy, formation of sexual relationships outside of marriage area, etc, all of which represent the low desire to get married and start a family in the traditional sense of it in some ways in the Iranian and Islamic tradition and culture, an issue that can disrupt normal functioning of the family institution in the long run. Based on an interpretative approach with an in-depth look, the current research sought to identify, analyze, and interpret the main types of students' attitudes towards the phenomenon of marriage by entering the mental world of Isfahan university students. Based on this, the main goal of this qualitative research was identifying the typology of attitudes towards marriage based on the definition and interpretation of Isfahan university students.

Materials & Methods

The current research was done by taking a qualitative approach and using the qualitative content analysis. Qualitative content analysis is a research method for subjective interpretation of text data through the processes of systematic classification, as well as coding and designing patterns. The qualitative content analysis approach used in this research was the conventional approach. This approach is often suitable when the existing theories or research literature about the studied phenomenon are limited. In fact, in this case, the researcher avoids using preconceived categories and instead arranges for the categories to emerge from the data. The current research field was the city of Isfahan and national universities of this city, including Isfahan University, Isfahan University of Technology, and Isfahan University of Medical

Sciences. The participants or people under study included single students of all educational levels and different fields of study in the mentioned universities. 30 people were selected and studied by using the purposeful sampling method. The data collection technique in this study was based on a semi-structured in-depth interview.

Discussion of Results & Conclusion

The analysis of Isfahan University students' views showed that there were 7 different attitudes towards marriage among them: structuralist attitude, agent-oriented attitude, radical attitude, rationality-oriented attitude, business-oriented attitude, and functionalist attitude. Each type of attitude had led to different behaviors. The attitude based on agency in marriage was generally the result of individualism,

* Corresponding author

Tayebnia, M. S., Kardavani, R., & Yaraghi, S. (2023). Qualitative typology of attitude towards marriage among unmarried students of Isfahan Universities. *Journal of Applied Sociology*, 34(2), 101-122.



modernity, pluralism, new lifestyles, etc., which did not exist in the traditional society. The agent-oriented attitude in marriage was generally the result of individualism, modernity, pluralism, new lifestyles, etc., which also did not exist in the traditional society. The students, who liked agency in marriage, generally considered themselves to be modern subjects, who had passed the value and normative systems of the traditional society. However, the students, who accepted the structural view in marriage still considered themselves committed to the value systems and norms of the traditional society. The students, who had a rationality-oriented attitude, considered their personal, economic, and cultural conditions as the central factors in marriage and its definition. Those, who had a radical attitude towards marriage, considered marriage to be an existential and essential necessity so that every human being must marry in

order to logically respond to his/her emotional and sexual needs. On the other hand, there were radicals, who believed that marriage was not necessary and even in some cases, marriage was considered a negative and destructive phenomenon in human life. In the business-oriented attitude, marriage had become a business, according to which families and individuals sought to obtain the most economic benefit from marriage. On the other hand, another group of students emphasized the functions of marriage, specifically the positive functions. They believed that marriage, despite economic issues and problems, strengthened people's personalities, mental systems, and social status. It even had positive economic consequences for people.

Keywords: Marriage, Typology, Attitude, Students, Isfahan



مقاله پژوهشی

گونه‌شناسی کیفی نگرش به ازدواج در میان دانشجویان مجرد دانشگاه‌های اصفهان

محمد صالح طیب‌نیا، استادیار، گروه معارف اهل‌البیت دانشکده الهیات و معارف اهل‌البیت دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

ms.tayebnia@ahl.ui.ac.ir

راحله کاردوانی ^{ID}، پژوهشگر گروه خانواده، پژوهشکده مهرستان (مطالعات حکمرانی)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

kardavani@mehrestan.ir

سعیده یراقی، پژوهشگر گروه خانواده، پژوهشکده مهرستان (مطالعات حکمرانی)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

sayrghy@gmail.com

چکیده

ازدواج یک قرارداد اجتماعی سامان‌بخش نهاد خانواده و ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای بازتولید و تداوم این نهاد و انسجام جامعه محسوب می‌شود و نگرش به آن، تحولات بنیادینی در جامعه ایرانی داشته است. پژوهش حاضر با هدف گونه‌شناسی نگرش دانشجویان به ازدواج، با رویکرد کیفی مبتنی بر فهم نظری تلفیقی و با روش تحلیل محتوا انجام شده است. میدان پژوهش، دانشگاه‌های شهر اصفهان‌اند و افراد مطالعه‌شده با شیوه نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری، ۳۰ نفر از دانشجویان مجرد مقاطع مختلف تحصیلی در این دانشگاه‌ها هستند. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری و با استفاده از تکنیک کدگذاری تجزیه و تحلیل شده‌اند. براساس یافته‌ها، نگرش دانشجویان به پدیده ازدواج در دو چارچوب کلی ساختاری و ایده‌ای، در قالب چند گونه اصلی شامل سوژگی (نگرش ساختارگرایانه و عاملیت‌گرایانه)، موقعیتی (نگرش رادیکال و عقلانیت‌محور) و پیامدی (نگرش تجارت‌محور و کارکردگرایانه) صورت‌بندی شده است. بررسی این سنخ‌ها نشان می‌دهد وضعیت و شرایط جامعه در حال گذار ایرانی، به گونه‌ای است که هم‌زمان از سوی جوانان، شاهد نگرش‌های مختلف و متعارضی به ازدواج هستیم که در راستای تغییر، نیازمند طیفی از اقدامات متمایز است. هریک از سنخ‌های نگرشی، رفتارهای متفاوتی را در پی دارد و سیاست‌گذاری در راستای بهبود وضعیت ازدواج از طریق تقویت نگرش کارکردگرایانه، که ازدواج را پاسخی امن و رشدیافته به نیازهای عاطفی، جنسی و ارتباطی انسان می‌داند، و نیز اقناع نگرش عقلانیت‌محور با ایجاد زمینه‌های اقتصادی، قانونی و اجتماعی تسهیل ازدواج، پیشنهاد می‌شود. در این راستا می‌توان از الگوهای یادگیری، شناختی و کارکردی، در فرایند تغییر نگرش و سپس رفتار ازدواج بهره برد.

واژه‌های کلیدی: ازدواج، گونه‌شناسی، نگرش، دانشجویان، دانشگاه‌های اصفهان.

* نویسنده مسئول

طیب‌نیا، م. ص؛ کاردوانی، ر. و یراقی، س. (۱۴۰۲). گونه‌شناسی کیفی نگرش به ازدواج در میان دانشجویان مجرد دانشگاه‌های اصفهان. جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۴(۲)، ۱۰۱-۱۲۲

۱۲۲



مقدمه

نگرش به ازدواج به مثابه یکی از مؤلفه‌های مهم، بیانگر تفکر و احساس افراد درباره پدیده چندوجهی ازدواج است و نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین و پیش‌بینی رفتار ازدواج دارد. این امر مقدمه تشکیل خانواده است و در ابعاد متعدد روان‌شناختی، حقوقی، اجتماعی، اقتصادی، تربیتی و امنیتی - وابسته به مسئله جمعیت - در انسجام و پایداری جوامع نقش برجسته‌ای دارد (Higgins et al., 2002). ازدواج را از مهم‌ترین رسوم معمول در تمام جوامع می‌دانند که به دلیل نقش مهم آن در فراهم کردن ساختار و زیربنای تشکیل خانواده و گسترش نسل، بنیادی‌ترین نوع رابطه بین انسان‌هاست (نیکخواه و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۰). در اسلام نیز ازدواج امری مقدس، مطابق با ذات و فطرت بشر و عامل بقای نسل و پایداری خانواده و جامعه شناخته می‌شود. در سنت و فرهنگ ایرانی، ازدواج نشانه گذار به دوره بزرگسالی، هویت‌یابی فرد و مسئولیت‌پذیری او در قبال جامعه محسوب می‌شود و از نظر زیستی و اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در دنیای معاصر و تحت تأثیر تحولات اجتماعی مرتبط با آن، نگرش و تمایل به ازدواج دچار نوعی دگرگونی و دگردیسی شده است. به عبارت دیگر در جوامع مدرن و توسعه‌یافته، شکل و فرم ازدواج وضعیت متفاوتی نسبت به گذشته پیدا کرده است و به اذعان جونز (2004) در دهه‌های اخیر، شاهد تغییر در الگوهای ازدواج، بی‌رغبتی به ازدواج، ازدواج در سنین بالا یا به طور کلی افزایش چشمگیر در مجرد قطعی هستیم (حضرتی و نوری، ۱۳۹۹: ۴۰).

جوامع انسانی طی دو قرن اخیر، شاهد تغییرات اساسی در نهاد ازدواج، اعم از تنوع مسیرهای ازدواج، تقدس‌زدایی از نقش‌های زناشویی و تغییر ایدئولوژی جنسی، تغییر در ارزش‌های زناشویی، پیدایش الگوهای جدید روابط زندگی مشترک (قرار عاشقی، زندگی مشترک غیررسمی و ازدواج هم‌جنس)، نهادینه‌سازی‌زدایی از ازدواج و حرکت به سمت ازدواج‌های فردی‌سازی‌شده قرار گرفته‌اند (سهراب‌زاده و پرنیان، ۱۳۹۵: ۸۴)؛ بنابراین در حال حاضر شاهد تغییر در ارزش‌های

ازدواج و تمایل به سمت ازدواج‌های فردیت‌یافته و نوعی صورت‌بندی غیرسستی زندگی مشترک در بین افرادیم. به عبارت دیگر این‌گونه استنباط می‌شود که در مقایسه با گذشته، در دنیای جدید بیشتر عاملیت عاملان و کنشگران انسانی است که وضعیت پدیدۀ ازدواج و چگونگی شکل‌گیری و همچنین اشکال و فرم‌های آن را تعریف و تنظیم می‌کند. در دنیای مدرن، فرم‌ها و الگوهای متکثر و متنوعی از روابط زوجی و ازدواج در بین افراد بروز و ظهور یافته است که چندان تناسبی با الگوهای رایج گذشته در این جوامع ندارد؛ تغییراتی که ابتدا در کشورهای توسعه‌یافته رخ داد و در ادامه و به تدریج، به کشورهای جهان سوم و در حال توسعه نیز منتقل شد. در واقع شواهد و قرائن تجربی، مؤید این موضوع است که ساختار ازدواج و روابط زناشویی در جوامع در حال توسعه، تحت تأثیر فرایند نوسازی و نفوذ ارزش‌های مدرن مربوط به جوامع توسعه‌یافته و غربی، دچار تغییرات و تحولات بنیادین و اساسی شده است (McClendon, 2017؛ Qian, 2018؛ Armenia & Troia, 2017).

در جامعه ایران، به عنوان جامعه‌ای که چند دهه‌ای است در وضعیت گذار بین سنت و مدرنیته قرار دارد و ارزش‌های مدرن را تجربه کرده است، برخی از عناصر سنتی مرتبط با ساختار فرهنگی - اجتماعی دگرگون شده و یا در حال دگردیسی است. ازدواج و خانواده به عنوان بخشی از این ساختار نیز، تغییرات محسوس و درخور توجهی را تجربه کرده است، از جمله تغییرات نگرشی، تغییر شکل‌های ازدواج، اهمیت‌ندادن به ازدواج در زندگی و اولویت‌نداشتن آن، افزایش سن ازدواج یا طولانی شدن دوران مجرد، شکل‌گیری روابط جنسی خارج از ازدواج، ازدواج سفید، مجرد قطعی و ... (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸؛ محمدپور و همکاران، ۱۳۸۸؛ دلخوش، ۱۳۸۸؛ مهاجرانی، ۱۳۸۹؛ آقاسی و فلاح، ۱۳۹۴؛ سهراب‌زاده و پرنیان، ۱۳۹۵؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۷؛ رسولی، ۱۴۰۰) مواجهیم که به نوعی نمایانگر تمایل پایین به ازدواج و تشکیل خانواده به معنای مرسوم آن در سنت و فرهنگ ایرانی و اسلامی است. این موضوعی است که در بلندمدت، کارکرد طبیعی نهاد خانواده را به عنوان بنیان انسجام اجتماعی و تداوم جامعه، دچار اختلال می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد با استفاده از آموزش‌های پیش از ازدواج، می‌توان بر

¹ Jones

می‌کند. رده‌بندی‌های بنیادی به‌منابۀ صافی‌هایی عمل می‌کنند که در مشاهده و استنباط از واقعیت، صراحت و شدت می‌بخشند و راه را برای نگاه‌کردن نافذتر از زوایای متفاوت بعدی، باز می‌کنند؛ زیرا «قسمت اعظم معرفتی که درباره‌ی جهان زندگی وجود دارد، سنخی شده است. به عبارت دیگر این معرفت‌ها بر خصوصیت فردی یا منحصربه‌فرد، اشیا و اشخاص دلالت نمی‌کند، بلکه اشاره به ویژگی‌های سنخی آنها دارد» (Abercrombie & Longhurst, 1998).

پژوهش حاضر از یک‌سو با مدنظر قرار دادن نگرش به ازدواج، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی و بنیادین پیش‌بینی‌کننده و تبیین‌گر رفتار ازدواج و از سوی دیگر توجه به این موضوع که توصیف و تفسیر شفاف و دقیقی از نوع نگرش جوانان به پدیده‌ی ازدواج وجود ندارد، بر مبنای رویکرد تفسیری و نگاه از درون، به‌دنبال این بوده است که با ورود به دنیای ذهنی دانشجویان دانشگاه‌ها اصفهان، گونه‌ها یا سنخ‌های اصلی نگرش آنها به پدیده‌ی ازدواج شناسایی و تحلیل و تفسیر شود. بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش کیفی، گونه‌شناسی نگرش به ازدواج بر مبنای تعریف و تفسیر دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مرتبط با پدیده‌ی ازدواج، بسیار گسترده و متنوع است. جست‌وجو با تمرکز بر ارکان اصلی پژوهش حاضر، شامل گونه‌شناسی، نگرش به ازدواج، رویکرد کیفی و دانشجویان مجرد، نشان می‌دهد در این حیطه‌ی خاص و در میدان تحقیق دانشگاه‌های اصفهان، تاکنون پژوهشی انجام نشده است. پیشینه‌ی نزدیک به مسئله‌ی این تحقیق، در دو گروه اصلی قرار دارد.

الف- مطالعات گونه‌شناختی: این گروه از تحقیقات، با هدف شناسایی سنخ‌های مختلف در ارتباط با پدیده‌ی ازدواج انجام شده است. سهراب‌زاده و پرنیان (۱۳۹۵) هفت سنخ گرایش به ازدواج را شناسایی کرده‌اند که شامل موارد زیرند: «گرایش محاط‌شده»، «گرایش سلسله‌مراتبی»، «گرایش خودپروی عقلانی»، «گرایش خودپروی عاطفی»، «گرایش

نگرش و انتظارات جوانان و به‌طور خاص دانشجویان نسبت به ازدواج، اثرگذار بود (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۸؛ رشیدی، ۱۴۰۱؛ Adzovie & Dabone, 2021).

دانشجویان به گزارش مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۴۰۱)، جمعیتی بالغ بر سه میلیون نفر را در ایران دارند و عمدتاً به دلیل شرایط سنی، از گروه‌های هدف مهم در سیاست‌گذاری و مطالعه مسئله ازدواج محسوب می‌شوند. اگرچه در حال حاضر، تنگناها و موانع جدی در ارتباط با ازدواج این گروه وجود دارد، در سال ۱۴۰۱، تعداد ۱۳ هزار زوج در سامانه ازدواج دانشجویی ثبت‌نام کرده‌اند که تعداد آنها نسبت به سال‌های پیش، کاهش یافته است؛ اما شاهدهی بر ضرورت سیاست‌گذاری در این خصوص است. براساس مطالعات انجام‌شده، ازدواج تمامی جنبه‌های زندگی دانشجویان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با وجود چالش‌هایی که به‌همراه دارد، افراد را به سمت خودشکوفایی سوق می‌دهد و نوعی معنابخشی برای زندگی آنها ایجاد می‌کند (خلجی‌نیا، عباسی و خاکی، ۱۳۹۷)، بر آموزش و یادگیری دانشجویان تأثیرات مثبت دارد (به‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳) و استحکام روابط و رضایت زناشویی بالایی دارد (قوتی و همکاران، ۱۳۹۵). گفتنی است که در این مقولات، تفاوت معناداری با ازدواج غیردانشجویی وجود ندارد (مظاهری و همکاران، ۱۳۸۲).

علاوه بر ابعاد فردی و خانوادگی ازدواج دانشجویان، مطالعات حاکی از آن است که ایفای نقش تسهیلی و تشویقی از سوی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی برای این سنخ ازدواج، می‌تواند به آثار مثبتی در انطباق با محیط، دست‌یابی به هدف و حفظ انسجام به‌عنوان ابعاد کارکردی نظام عام اجتماعی و نظام شخصیتی منجر شود (غنیمتی و وحدتی، ۱۳۸۴). با توجه به تحولات نگرشی انجام‌شده، اثربخشی سیاست‌های اتخاذشده در مسئله ازدواج، منوط به شناخت دقیقی از گروه هدف به‌عنوان اولین مرحله از چرخه سیاست‌گذاری است.

گونه‌شناسی در پدیده‌های اجتماعی، اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا نوعی طبقه‌بندی است که از آشفتگی‌ها و در هم ریختگی‌های ذهنی می‌کاهد و کار شناخت را به‌مراتب تسهیل

حسینی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود، دلالت معنایی ازدواج را نزد جوانان، «واپس‌زدگی ازدواج» می‌دانند که دربارهٔ مقوله‌هایی از جمله ترس، بی‌میلی، اقتصاد ناایمن مرد، ناتوانی در مدیریت هزینه‌ها، استقلال مالی زنان و مناسبات ارزشی نوپدید شامل ارزش‌های اخلاقی و مناسبات اجتماعی-ارتباطی، شامل وضعیت اجتماعی و چگونگی ارتباطات دو جنس با یکدیگر تفسیرشدنی است (Fallahchai & Fallahi, 2019).

اتخاذ رویکرد کیفی، فهم نظری تلفیقی در تحلیل نگرش نسبت به ازدواج و تمرکز بر گونه‌شناسی که تاکنون مبتنی بر گروه هدف دانشجویان مجرد و در میدان تحقیق دانشگاه‌های اصفهان انجام نشده است، وجوه تمایز پژوهش حاضر نسبت به موارد پیشین محسوب می‌شود.

چارچوب مفهومی

نظر به اینکه منطق و هدف پژوهش‌های کیفی، مبتنی بر نظریه‌آزمایی و آزمون نظریه نیست و مفهوم‌سازی و نظریه‌سازی در فرایند حادث می‌شود، بنابراین نظریه جایگاه متفاوتی در این پژوهش‌ها دارد (ایمان، ۱۳۹۱: ۱۷۸). نظریه نقشی الهام‌بخش و مکمل‌گونه را در فرایند پژوهش و تحلیل داده‌ها و ایجاد حساسیت نظری - مفهومی، برای کمک به بازبودن ذهن پژوهشگر نسبت به مفاهیم و مقوله‌ها دارد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۲۳۳).

دو دیدگاه یا رویکرد اصلی دربارهٔ تغییرات مربوط به ازدواج و شکل‌گیری فرم‌های جدید آن، ارائه شده است. رویکرد اول، ساختاری است که بر تغییرات ساختاری و کارکردی پافشاری می‌کند و رویکرد دوم، ایده‌ای یا نگرشی است که بر تغییرات و تحولات ایده‌ای و نگرشی تأکید دارد. در پژوهش حاضر ضمن اشاره به هر دو رویکرد، با توجه به اهداف پژوهش، تمرکز بیشتر بر رویکردی است که تغییرات و تحولات ایده‌ای و نگرشی در عرصهٔ ازدواج را بررسی و واکاوی کرده است.

الف- رویکرد ساختاری، آن دسته از نظریه‌هایی را شامل می‌شود که در تبیین تحولات مرتبط با نگرش به ازدواج و خانواده، بر تغییر در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه

برابرنگر، «گرایش سیال» و «گرایش ضد ازدواج». رسولی (۱۴۰۰) در پژوهش خود، سه تیپ افرادی را از هم متمایز می‌کند که به دلایل اقتصادی (فقر، سرپرست خانوار بودن، حرف مردم، گرایش جنسی و نداشتن سرمایه)، شرایط اجتماعی و فرهنگی (سن ازدواج بالا، اعتیاد پدر، ترس از حرف مردم و حمایت نکردن خانواده) و شرایط روانی (خیانت به یکدیگر، تعهدناداشتن در زندگی، اختلالات روحی و روانی، اختلالات جنسی و مشکلات خانوادگی) ازدواج سفید کرده‌اند. پژوهش «گونه‌شناسی دختران ازدواج‌نکردهٔ ایلامی، برحسب دلایل تجرد» با رویکرد کیفی انجام گرفته و به ۸ سنخ «دختران مجرد سردرگم»، «دختران مجرد سرخورده»، «تعویق ازدواج تا تحقق اهداف»، «دختران مجرد مبادله‌نگر»، «دختران مجرد استقلال‌طلب»، «انگ‌خوردگان»، «دختران گرفتار در پنجرهٔ نگرشی بسته» و «دختران مجرد کمال‌گرا» اشاره کرده است (گنجی و همکاران، ۱۴۰۰).

ب- مطالعات نگرش‌سنجی: گروه دوم از تحقیقات، نگرش جوانان را نسبت به پدیدهٔ ازدواج، به صورت کمی یا کیفی سنجیده‌اند. نتایج مطالعات نشان می‌دهد بسیاری از جوانان برای انتخاب همسر، به انتخاب عقلانی توجه دارند و نگرش به ازدواج در بین جوانان، به امری عقلانی تبدیل شده است (کاظمی‌پور، ۱۳۸۸؛ Cheng & Yang, 2021) و این نگرش، ویژگی تفاوت نسلی دارد؛ به طوری که دختران از ایده‌ها و نگرش‌های مدرن‌تری نسبت به مادران خود برخوردارند (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸). مثبت‌ترین بازخوردهای جوانان در حوزهٔ ازدواج، مبتنی بر ارزش‌های خودپیروی و برابرنگری و منفی‌ترین بازخوردها به موضوع‌هایی اشاره دارند که ارزش‌های محاط‌شدگی را در ازدواج پاس می‌دارند (دلخمش، ۱۳۹۲). همچنین نگرش نسبت به ازدواج موقت در بین دانشجویان برحسب ابعاد اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و جنسی متفاوت است (یاری‌نسب و همکاران، ۱۳۹۴). میزان تمایل به نگرش سنتی در بین دانشجویان، بیشتر از نگرش مدرن بوده و بیشترین میزان اثرگذاری بر نگرش سنتی به ازدواج، مربوط به متغیر دین‌داری بوده و بر نگرش مدرن به ازدواج، مربوط به متغیر هزینهٔ فرصت برآورد شده است (نیکخواه و همکاران، ۱۳۹۶).

برای مثال در جریان نوسازی، فردمحوری جایگزین خانواده‌محوری می‌شود و ترجیح خانواده‌هسته‌ای، بهبود موقعیت زنان، افزایش تحصیلات عمومی، ازدواج‌های با انتخاب آزاد و تشکیل خانواده در سنین بالا را تشویق می‌کند (محمودیان، ۱۳۸۳: ۳۴).

مک‌دونالد^۲ (2006) معتقد است که اگرچه فرایند نوسازی، آزادی و استقلال بیشتری را برای افراد به ارمغان آورده است، ولی آن‌ها را با بی‌اطمینانی بیشتری نسبت به آینده نیز روبه‌رو کرده است؛ بنابراین تا موقعی که افراد شغل دائم و باثبات و توانایی بر عهده گرفتن خانواده را نداشته باشند، ازدواج نمی‌کنند و تشکیل خانواده نمی‌دهند (کریبی، ۱۴۰۰: ۲۷۷). بر طبق نظریه نوسازی بازاندیشانه^۳ مک‌دونالد، اگرچه به دلیل گسترش فردمحوری و دایره انتخاب‌های فردی، شخص خودش در موقعیت‌های گوناگون دست به انتخاب می‌زند و بر مبنای ارزش‌های خود، گزینه مطلوب خویش را در عرصه‌های شغلی، همسرگزینی و تعامل با دیگران برمی‌گزیند و در عین حال، به پاس آزادی و استقلال بیشتری که رهاورد فرایند نوسازی است، با دیده ابهام‌آمیزی به آینده خویش می‌نگرد. به بیان دیگر، بی‌اطمینانی به آینده و باور نکردن درستی انتخاب‌هایش در کنار مبهم‌بودن موقعیتش در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، او را در انتخاب‌های باثباتش با تردید روبه‌رو می‌کند؛ بنابراین برای پاسخگویی به نیازهای جسمی و روانی خود، با آزادی بیشتر و پرهیز از الزامات شدید اجتماعی همراه با ازدواج، گزینه‌های جانشین را برمی‌گزیند (Reynold, 1999).

ب- در رویکرد ایده‌ای و نگرشی، عمدتاً تمرکز و تأکید بر نقش تغییرات فرهنگی و ارزشی جوامع، نظیر رشد فردگرایی و سکولاریسم و همچنین اشاعه ایده‌ها و ارزش‌های غربی در تغییر رفتارها و ایده‌آل‌های مرتبط با ازدواج و خانواده است (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱). به عبارت دیگر رویکردهای نگرشی، اهمیت بیشتری برای نقش بالقوه مهم تغییر ایده‌ها و گرایش‌های فرهنگی قائل‌اند که در تعامل

تأکید دارند. شاید بتوان گفت نظریه درخور توجه در رویکرد ساختاری، نظریه نوسازی است که از جمله رویکردهای نظری کلان به شمار می‌رود و فرایند انتقال عوامل و عناصر سنتی به مدرن را تشریح می‌کند. بر این اساس، عوامل سنتی عبارت‌اند از: شبکه خویشاوندی، خانواده‌محوری، خانواده گسترده، ازدواج‌های ترتیب‌یافته، تولید خانگی و غیره و عوامل مدرن عبارت‌اند از: تضعیف شبکه خویشاوندی، گسترش فردمحوری، ازدواج بر مبنای انتخاب افراد و واگذاری کارکردهای خانواده به دیگر نهادها (صادقی و عرفان‌منش، ۱۳۹۲: ۱۰۵). این نظریه بر این باور است که گذار جوامع از نظم سنتی به نظم مدرن، موجب تغییراتی در سطوح مختلف کلان، میانی و خرد و در بین تمامی گروه‌ها شده است که این تغییرات به سهم خود، باعث دگرگونی در نگرش‌ها، ارزش‌ها، انتظارات و خواسته‌ها می‌شوند (حیب‌پور گتایی و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۳). همچنین باید گفت فرایند نوسازی با تغییر نگرش‌ها و ایده‌های افراد جامعه همراه است، این فرایند در سطوح مختلف فردی و اجتماعی، ازدواج و الگوهای آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد (صباغچی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۵).

در چارچوب نظریه نوسازی، در کتاب *انقلابات جهانی و الگوهای خانواده*^۱، تأثیر صنعتی‌شدن و مدرنیزاسیون بر خانواده و ازدواج بیان می‌شود. مدرنیزاسیون در سطوح فردی و اجتماعی، با تأثیرگذاری بر زمان ازدواج انجام می‌شود (Goode, 1963: 55). از نظر گود، ریشه اصلی تحولات بنیادین در وضعیت خانواده معاصر را باید در مظاهر نوگرایی، یعنی صنعتی‌شدن، شهرنشینی و دیگر صور نوگرایی، مانند سیستم‌های پیشرفته ارتباطات و حمل‌ونقل جست‌وجو کرد (فروتن، ۱۳۹۷: ۱۲). در واقع گود، دگرگونی‌های به وجود آمده در خانواده را نتیجه اجتناب‌ناپذیر دگرگونی‌های ساختاری [جامعه] و ایدئولوژیکی می‌داند. به عقیده او، زمانی که دگرگونی‌های ساختاری (صنعتی‌شدن، شهرنشینی و ...) و ایدئولوژیکی، هر دو در سطح کلان رخ می‌دهند، سازمان‌های سطوح خرد (خانواده) نیز باید به‌اجبار خود را با این دگرگونی‌های سطح کلان انطباق دهند (اعزازی، ۱۳۸۹: ۱۷)؛

² McDonald

³ Reflexive modernization

¹ Old Revolution and Family Patterns

۱۲). سولسون^۱ (1997) بر این باور است که گذار جمعیتی دوم، به‌عنوان یک چارچوب مفهومی، تغییرات را در روابط جنسی مدنظر دارد و تحت تأثیر تغییرات مفهومی مطرح می‌شود که در روابط زن و مرد و ارتباطات خانوادگی رخ می‌دهد (فیض‌آبادی، ۱۳۸۶: ۳۰-۲۷). در واقع این‌گونه جمع‌بندی می‌شود که نظریه گذار جمعیتی دوم بر مؤلفه‌هایی از جمله کاهش میزان ازدواج و بالارفتن سن ازدواج، افزایش هم‌خوابگی‌ها قبل و بعد از ازدواج، افزایش طلاق و زودرسی آن و کاهش ازدواج مجدد بعد از طلاق و بیوه تأکید دارد.

نسخه جدیدی از تبیین‌های ایده‌ای و ارزشی ازدواج، با عنوان تئوری ایده‌آلیسم توسعه مطرح شده است. براساس این دیدگاه، ایده‌های مرتبط با توسعه و پیشرفت، به‌عنوان یک آرمان بشری مطلوب در سراسر جهان مقبولیت می‌یابد و حاوی این گزاره نظری بنیادین است که انسان‌های مدرن آزاد و برابرند و روابط اجتماعی، مبتنی بر توافق و اجماع است؛ گزاره‌ای که بر شیوه‌های انتخاب همسر، سن ازدواج و نگرش دو جنس نسبت به یکدیگر و تشکیل خانواده تأثیر دارد (Torenton, 1995).

روش‌شناسی

پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد کیفی پژوهش و روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. تحلیل محتوای کیفی روش پژوهشی، برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدگذاری و مقوله‌بندی یا طراحی الگوهای شناخته شده است (Hsieh & Shanon, 2005: 1278). رویکرد تحلیل محتوای کیفی استفاده شده در این پژوهش، عرفی است. این رویکرد بیشتر زمانی مناسب است که نظریه‌های موجود یا پیشینه تحقیق درباره پدیده مطالعه شده محدود باشد. در واقع در این حالت، پژوهشگر از به کار گرفتن مقوله‌های پیش‌پنداشته اجتناب می‌کند و در عوض ترتیبی می‌دهد که مقوله‌ها از داده‌ها ناشی شوند. به عبارت دیگر از طریق استقرار، مقوله‌ها از داده‌ها ظهور می‌یابند (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۲). در پژوهش حاضر نیز با توجه به اینکه رویکردهای نظری موجود درباره نگرش به پدیده ازدواج،

با عوامل ساختاری، به ایجاد تغییرات رفتاری منجر می‌شوند و در مسئله ازدواج و روابط جنسی، پیچیدگی بسیار افزون‌تری نسبت به گذشته دارند (Qian, 2018).

یکی از نظریه‌های اصلی مرتبط با رویکرد ایده‌ای و نگرشی، نظریه گذار جمعیتی دوم است که تغییرات بنیادین ارزشی و گسترش ایده‌های فرامادی، یعنی تأکید بر استقلال فردی و خودتحقق‌بخشی را عامل تغییرات نوین خانواده تلقی می‌کند (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱). در جریان گذار جمعیت‌شناختی اول، بعد خانوار کاهش یافت. کاهش بعد خانوار از طریق پیامدهای جمعیتی و اجتماعی که به دنبال داشت، زمینه را برای تغییرات ذهنی در میان خانوارها فراهم کرد. تغییرات ذهنی و نگرشی مربوط به گذار جمعیت‌شناختی اول، به تدریج باعث ایجاد تغییراتی در زندگی خانوادگی و زناشویی شدند و این تغییرات در چارچوب نظریه گذار جمعیت‌شناختی دوم، تئوریزه شدند. این نظریه به‌طور کلی تغییرات بنیادین ارزشی و گسترش ایده‌های فرامادی، یعنی تأکید بر استقلال فردی و خودتحقق‌بخشی را عامل تغییرات نوین در حوزه خانواده تلقی می‌کند (عباسی شوازی و حسینی، ۱۳۹۰: ۱۱). این عوامل در کنار همدیگر، ترجیحات و سلاقی افراد را به سمت فردگرایی، آزادی و استقلال تغییر داده و در نتیجه، باعث تغییراتی در نگرش و رفتار ازدواجی فرد شده‌اند. در واقع براساس نظریه گذار جمعیت‌شناختی دوم، افزایش تصاعدی در خودمختاری فردی، در زمینه‌های اخلاقی، مذهبی و سیاسی، اساس تغییرات انجام شده در تشکیل خانواده است. سکولاریسم، جنبش‌های رهایی‌بخش، گسترش ارزش‌های فرامادی‌گرایی (توسعه شخصی و خودشکوفایی)، تردید نسبت به نهادها و افزایش بی‌تابی در برابر دخالت افراد بیرونی در زندگی شخصی (از هر نوع منبع اقتدار)، جزء جنبه‌های مختلف تحول در ارزش‌هایی‌اند که باعث شده‌اند فرد براساس اراده آزاد خود برای زندگی‌اش تصمیم بگیرد؛ بنابراین کاهش ازدواج و افزایش جایگزین‌هایی مانند هم‌خانگی، نمود نگرش غیرهمنوا، اعتراض علیه منابع اقتدار و شیوه‌ای برای آشکارکردن آزادی فردی در مقابل قراردادهای و عرف دانسته می‌شود (حبیب‌پور گنابی و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۳۹۰).

¹ Solsona

مشارکت‌کنندگان یا افراد مطالعه‌شده نیز شامل دانشجویان مجرد همه مقاطع تحصیلی و رشته‌های مختلف تحصیلی در این دانشگاه‌ها بودند که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و مطالعه شدند. در جدول (۱)، مشخصات مربوط به این افراد گزارش شده است:

گونه‌شناسی مشخص و شفافی را از این نگرش‌ها ارائه نکرده‌اند، بنابراین به منظور شناسایی و دسته‌بندی نگرش به ازدواج در قالب گونه‌های نگرشی، از این رویکرد استفاده شد. میدان پژوهش حاضر، شهر اصفهان و دانشگاه‌های سراسری این شهر، شامل دانشگاه اصفهان، دانشگاه صنعتی اصفهان و دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بوده است.

جدول ۱- مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش

Table 1- Profile of research participants

ردیف	جنس	سن	دانشگاه	رشته تحصیلی	مقطع تحصیلی
۱.	زن	۲۴	اصفهان	ریاضی - مالی	کارشناسی ارشد
۲.	زن	۲۱	اصفهان	جامعه‌شناسی	کارشناسی
۳.	مرد	۲۶	علوم پزشکی	داروسازی	دکتری
۴.	مرد	۲۶	علوم پزشکی	داروسازی	دکتری
۵.	زن	۲۰	اصفهان	تاریخ	کارشناسی
۶.	زن	۲۰	اصفهان	تاریخ	کارشناسی
۷.	مرد	۱۹	اصفهان	مدیریت	کارشناسی
۸.	زن	۳۰	اصفهان	نانوشیمی	کارشناسی ارشد
۹.	زن	۲۴	علوم پزشکی	اعضای مصنوعی	کارشناسی ارشد
۱۰.	زن	۲۱	علوم پزشکی	هوشبری	کارشناسی
۱۱.	زن	۳۰	علوم پزشکی	آموزش بهداشت	کارشناسی ارشد
۱۲.	زن	۲۰	علوم پزشکی	تغذیه	کارشناسی
۱۳.	زن	۲۲	علوم پزشکی	تغذیه	کارشناسی
۱۴.	زن	۲۲	علوم پزشکی	تغذیه	کارشناسی
۱۵.	زن	۲۰	علوم پزشکی	تغذیه	کارشناسی
۱۶.	زن	۲۳	صنعتی	کامپیوتر	کارشناسی ارشد
۱۷.	زن	۲۳	صنعتی	کامپیوتر	کارشناسی
۱۸.	زن	۲۰	اصفهان	مهندسی پزشکی	کارشناسی
۱۹.	مرد	۲۳	صنعتی	مهندسی شیمی	کارشناسی ارشد
۲۰.	مرد	۲۵	علوم پزشکی	پزشکی	کارشناسی ارشد
۲۱.	مرد	۲۲	صنعتی	کامپیوتر	کارشناسی
۲۲.	مرد	۲۴	صنعتی	معدن	کارشناسی
۲۳.	مرد	۲۷	صنعتی	مهندسی برق	کارشناسی ارشد
۲۴.	زن	۲۵	صنعتی	کشاورزی	کارشناسی ارشد
۲۵.	مرد	۳۰	صنعتی	نساجی	دکتری
۲۶.	مرد	۲۶	صنعتی	عمران	کارشناسی ارشد
۲۷.	زن	۳۰	اصفهان	جامعه‌شناسی	دکتری
۲۸.	مرد	۳۳	اصفهان	جامعه‌شناسی	دکتری
۲۹.	زن	۲۵	صنعتی	مهندسی IT	کارشناسی ارشد
۳۰.	مرد	۲۵	علوم پزشکی	پزشکی	کارشناسی ارشد

می‌کند. همچنین تلاش شد از نتایج پژوهش، در جهت منافع افراد، گروه یا نهاد خاصی استفاده نشود.

به منظور اعتباربخشی به فرایند گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها و همچنین یافته‌های پژوهش، از تکنیک‌های رایج اعتباریابی در پژوهش‌های کیفی، شامل اعتباریابی توسط اعضا^۲ (دریافت بازخورد از مشارکت‌کنندگان پژوهش) و ارزیابی یا بازرس خارجی^۳ استفاده شد (Creswell & Miller, 2000). به عبارت دیگر باید گفت صحت و درستی یافته‌های پژوهش را ابتدا تعدادی از مشارکت‌کنندگان پژوهش، تأیید کرد. در ادامه شخص دیگری [آشنا به پژوهش‌های کیفی و صاحب‌نظر درباره پدیده مطالعه‌شده] فرایند کدگذاری، تحلیل داده‌ها و استخراج مقوله‌های پژوهش را کنترل کرده و براساس نظر این شخص، یافته‌های پژوهش بازنگری شده است.

یافته‌های پژوهش

در جامعه سنتی ایران، عموماً یک نگرش عام نسبت به ازدواج وجود داشته است؛ به این معنا که هدف از ازدواج، تشکیل خانواده و فرزندآوری بوده است. دلیل این مسئله را می‌توان در یکسانی فرهنگی و اجتماعی دانست. تغییر و تحولات چند دهه اخیر، سبب شده است که جامعه ایرانی، یکسانی فرهنگی خودش را از دست بدهد و در ابعاد مختلف، دچار تکثر شود. منابع معنایی و هویتی افراد که در جامعه سنتی عموماً از مذهب و ملیت گرفته می‌شود، در وضعیت نوین جامعه ایرانی بیشتر شده و همین امر باعث شده است که سبک‌های زندگی مختلف و بعضاً متعارضی در جامعه ایرانی شکل بگیرد. علاوه بر این، دیدگاه و نگرش افراد نیز، تحت تأثیر گسترش منابع معنایی و هویتی، متکثر شده است. چنین تحولاتی سبب شده است تا نگرش به ازدواج و الگوهای آن نیز دچار تحول شود. امروزه نگرش‌های مختلف و بعضاً متعارضی نسبت به ازدواج، به‌ویژه در نسل جوان وجود دارد. تحولات فرهنگی در کنار تحولات اقتصادی، سبب تغییرپذیری نقش‌ها و تحولات معنایی در زمینه ازدواج شده و همین امر نیز به تکثر نگرش

تکنیک گردآوری داده‌ها در این مطالعه، مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته^۱ بوده است. در واقع با هریک از مشارکت‌کنندگان پژوهش، مصاحبه‌ای شامل برخی از سؤالات زمینه‌ای و پرسش‌های اصلی مرتبط با پدیده مطالعه‌شده، در حدود یک ساعت تا یک ساعت و پانزده دقیقه به انجام رسید. مصاحبه با مشارکت‌کنندگان پژوهش، ضبط و به صورت متن پیاده‌سازی و با استفاده از ابزارهای تجزیه و تحلیل رایج، در پژوهش‌های کیفی و روش تحلیل محتوای کیفی (کدگذاری) تجزیه و تحلیل شدند. همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، فرایند تحلیل داده‌ها شامل شناسایی مفاهیم اولیه، استخراج مقوله‌های فرعی و اصلی بوده است. شایان ذکر است که یادداشت‌های تحلیلی نیز، به‌عنوان بخش مهمی از فرایند تحلیل داده‌ها در پژوهش‌های کیفی، مدنظر بوده و به آن توجه شده است.

ملاحظات اخلاقی مرتبط با گردآوری داده‌ها، تحلیل و تفسیر این داده‌ها و گزارش یافته‌های پژوهش به این شرح بوده است که نخست در مرحله گردآوری داده‌ها، مراجعه به افراد براساس هماهنگی پیشین و مبتنی بر رضایت آگاهانه آنها انجام شده است، قبل از انجام مصاحبه، پژوهشگران ضمن معرفی خود و ارائه مدرک برای احراز هویت، به‌طور مختصر اهداف پژوهش را برای افراد مطالعه‌شده ارائه می‌کردند؛ سپس با کسب اجازه از آنها و تعهد شفاهی درباره ارائه و انتشار نکردن، محتوای مصاحبه با این افراد ضبط شد. گفتنی است که افراد مطالعه‌شده در پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش، از آزادی عمل لازم برخوردار بودند و به رعایت حریم شخصی آنها در فرایند مصاحبه توجه شده است. در نهایت اینکه تیم پژوهش متعهد شد بعد از پیاده‌سازی، تحلیل و ارائه نتایج، محتوای ضبط‌شده را بی‌اعتبار نکند و برای مقاصد دیگر آن را به کار نبرد. دوم، در مرحله تحلیل و تفسیر داده‌ها، سعی بر این بوده است که از طریق گفت‌وگو با افراد مطالعه‌شده در فرایند تحلیل داده‌ها (دریافت بازخورد از مشارکت‌کنندگان)، شرح دقیق و صحیحی از این اطلاعات ارائه شود. سوم، در مرحله نگارش سعی شده است که از زبان یا واژگانی استفاده نشود که علیه افراد مطالعه‌شده سوگیری

² Member Check

³ Independent Coders

¹ In-depth semi-structured interview

وجود داشته باشد، اما تفاوت‌های بین آنها سبب شده است که از آنها به‌عنوان یک سنخ مستقل از نگرش به ازدواج، یاد کنیم. در جدول زیر، انواع نگرش‌ها و مشخصات آنها آمده است.

نسبت به ازدواج منجر شده است. تحلیل دیدگاه دانشجویان دانشگاه اصفهان، نشان می‌دهد که هفت نوع نگرش مختلف در میان آنان نسبت به ازدواج وجود دارد. هرچند ممکن است در برخی موارد، همپوشانی‌هایی بین این سنخ‌های مختلف

جدول ۲- سنخ‌های نگرش به ازدواج در میان دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان

Table 2- Attitude patterns towards marriage among Isfahan university students

ماهیت نگرش	نوع نگرش	ویژگی‌ها
سوزگی	نگرش ساختارگرایانه	پذیرش نقش ساختاری خانواده در ازدواج/ قبول نقش‌های جنسیتی سنتی (خانه‌داری-مادری) تبلیغ‌شده خانواده/ رعایت مناسک و آداب و رسوم/ پذیرش تقسیم کار جنسیتی تبلیغ‌شده خانواده/ پذیرش نظارت کامل خانواده بر فرآیند ازدواج (برگزاری مراسم مختلف از آشنایی تا ازدواج)/ ترجیح گزینه‌های انتخابی توسط خانواده برای ازدواج/ کارآمدتر قلمداد کردن ازدواج تنظیم‌شده توسط خانواده/ ترجیح معیارهای خانوادگی برای ازدواج/ فرآیند آشنایی قبل از ازدواج با نظارت کامل خانواده
	نگرش عاملیت‌گرایانه	به حاشیه رفتن خانواده در فرآیند ازدواج/ تأکید بر نقش محوری فرد در فرآیند ازدواج (برگزاری مراسم مختلف از آشنایی تا ازدواج)/ نپذیرفتن گزینه‌های انتخاب‌شده توسط خانواده برای ازدواج/ قائل شدن نقش محوری برای خود، در انتخاب فرد مناسب/ لزوم آشنایی طولانی مدت با خواستگار قبل از ازدواج بدون نظارت کامل خانواده/ عاملیت محوری در یافتن خواستگار/ عاملیت محوری/ نپذیرفتن نقش‌های جنسیتی و تقسیم کار نهادینه‌شده در خانواده/ تأکید بر برگزاری فرآیند ازدواج براساس ایده‌های خود
موقعیتی	نگرش رادیکال	نفی یا تأیید کامل ضرورت ازدواج/ تقلیل ازدواج به وضعیت‌های موجود/ بی‌معنا قلمداد کردن ازدواج یا تقلیل معنای زندگی به آن/ بی‌منطق دانستن یا ایده‌آل به حساب آوردن افراد متمایل به ازدواج/ احساس تعالی کامل یا بدبختی کامل با ازدواج کردن/ فردمحوری کامل یا خانواده‌محوری کامل در ازدواج
	نگرش عقلانیت‌محور	لحاظ کردن شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ازدواج/ توجه به بلوغ فکری، عاطفی و رفتاری قبل از ازدواج/ وابسته قلمداد کردن ضرورت ازدواج به شرایط شخصیتی افراد/ نسبی قلمداد کردن موفقیت ازدواج و کارکردهای آن/ نسبی دانستن معنای ازدواج براساس تجارب زیسته و تفکر افراد/ سنجش زوایای مادی، عاطفی و اجتماعی برای ازدواج کردن و برخورد منطقی با آنها
پيامدی	نگرش تجارت‌محور	اولویت داشتن معیارهای مالی و اقتصادی برای ازدواج/ ضروری دانستن سخت‌گیری‌های خانواده‌ها در زمینه اقتصادی برای ازدواج/ مبادله مالی قلمداد کردن ازدواج/ ضروری دانستن تجملات و آداب و رسوم پرهزینه ازدواج/ منطقی قلمداد کردن مهریه‌ها و جهیزیه‌های سنگین/ لزوم کسب بیشترین منفعت اقتصادی و مالی از ازدواج
	نگرش کارکردگرایانه	رفع نیازهای عاطفی، رفتاری و جنسی/ هدفمندی زندگی/ تجربه فرزندآوری/ کسب سلامت روانی و اجتماعی بهتر/ به دست آوردن موقعیت اجتماعی بالاتر/ کسب استقلال مالی (به‌ویژه برای زنان)/ امکان موفقیت اقتصادی و شغلی بیشتر

نگرش ساختارگرایانه

اولین نوع نگرش دانشجویان به ازدواج، ساختارگرایانه است. این نگرش برخاسته از جامعه سنتی و انگاره‌های فرهنگی و ارزشی مرتبط با آن است. در جامعه سنتی، خانواده نقش اصلی را در ازدواج بر عهده دارد، والدین برای فرزندان تصمیم می‌گیرند، فرآیند ازدواج (از خواستگاری تا عروسی) را خانواده‌ها تنظیم می‌کنند، نظارت کامل بعد از ازدواج از سوی خانواده اعمال می‌شود، مناسک و آداب و رسوم سنتی مورد احترام است و لازم است این امر رعایت شود، هزینه‌های اقتصادی ازدواج بر طبق عرف تقسیم می‌شود،

نقش‌های جنسیتی (مردم نان‌آور-زن خانه‌دار) حاکم‌اند و مدیریت اقتصادی خانواده بر عهده مرد است. در این الگوی ازدواج، افراد خودشان نقش چندانی ندارند و تحت تأثیر ساختار خانواده و الزامات فرهنگی و ارزشی آن قرار دارند. برخی از دانشجویان بررسی‌شده به این الگوی سنتی ازدواج، گرایش دارند. آنان هنوز به نقش‌های سنتی در ازدواج باور دارند، معتقدند که فرآیند آشنایی و ازدواج، باید تحت نظارت کامل خانواده انجام بگیرد، به دوستی‌ها و آشنایی‌های بدون هماهنگی و اطلاع خانواده اطمینانی ندارند و اعتقاد دارند که باید به آداب و رسوم مرتبط با ازدواج پایبند بود و در کل،

خواسته‌های خودشان و بر طبق فرآیندی ازدواج کنند که خودشان تنظیم می‌کنند. نقش خانواده‌ها در این الگو بیشتر مشورتی است. در واقع، افرادی که نگرش عاملیت‌گرایانه دارند، توجه چندانی به نقش ساختاری خانواده در انتخاب همسر و فرآیند آشنایی و ازدواج ندارند و معتقدند که خودشان باید به صورت مستقل، این فرآیند را انجام دهند. این افراد عموماً توجه چندانی به سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی حاکم بر خانواده و ازدواج ندارند و منافع مشترک خود را در اولویت قرار می‌دهند. طرفداران این نگرش، نقش‌های سنتی را، که بر مبنای تقسیم کار جنسیتی ایجاد شده است، نپذیرفته‌اند و بیشتر به تساوی حقوق زن و مرد و تقسیم کار برابر، باور دارند. بر این اساس، دیگر زنان نقش خانه‌داری را قبول نمی‌کنند، بلکه وارد بازار کار می‌شوند و نقش اقتصادی مهمی را در مدیریت خانواده بازی می‌کنند. در کنار این مسئله، زنان دیگر به راحتی نقش مادرانگی را قبول نمی‌کنند و بخشی از وظایف خود را به نهادهای موازی، مانند مهدکودک‌ها واگذار می‌کنند. برای افرادی که نسبت به ازدواج، نگرش عاملیت‌گرایانه دارند، طلاق و جدایی یک تابو محسوب نمی‌شود. زنان به دلیل استقلال اقتصادی بیشتر، راحت‌تر با جدایی و طلاق کنار می‌آیند و به دلیل پایین بودن فشارهای ساختاری جامعه و خانواده، آسیب‌های کمتری می‌بینند. به هر حال برخی از دانشجویان نسبت به ازدواج، نگرشی عاملیت‌گرایانه دارند و معتقدند که باید خودشان به صورت مستقل، فرآیندهای ازدواج را پیش ببرند و دیگران نیز باید به انتخاب‌های آنان احترام بگذارند. این نوع نگرش، بیشتر در دانشجویانی غالب است که تفکرات مدرن دارند و در خانواده‌هایی بزرگ شده‌اند که ارزش‌های سنتی و دینی در آنها کمتر است.

مصاحبه‌شونده (۲۵):

«من خودم هم نمی‌پذیرم که خانواده‌ام بخواهند برای من در نظر بگیرند. بیشتر جوان‌ها هم همین‌طورند و خودشون باید طرفشون را ببینند و بشناسند و حداقل یک سال دو سالی در ارتباط باشند، شاید دوست‌دختر دوست‌پسر باشند بعضی‌ها، ولی بعضی‌ها هم همین‌طوری طرف را می‌بینند و سطح رابطه، بستگی به خود دو طرف

ازدواج را در چارچوب نهادی و ساختاری خانواده شکل بدهند. این دانشجویان باور دارند که ازدواج در چارچوب ساختاری خانواده، می‌تواند تداوم بیشتری داشته باشد؛ زیرا در صورت بروز مشکلات در زندگی، از حمایت کامل خانواده برخوردار خواهند بود. علاوه بر این، سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جامعه سنتی (و الگوی ازدواج سنتی)، اجازه نمی‌دهد که آنان به راحتی طلاق بگیرند. چنین دانشجویانی بر این باورند که جامعه نوین به حدی پیچیده شده است که آنان به تنهایی نمی‌توانند درباره آینده خودشان تصمیم بگیرند. به همین دلیل به ساختارها، به ویژه خانواده اعتماد می‌کنند. به طور کلی، در این سنخ از نگرش به ازدواج، چارچوب نهادی و ساختاری خانواده، نقش بنیادی را بازی می‌کند و افراد عاملیت چندانی در فرآیند ازدواج، ندارند.

مصاحبه‌شونده (۱۰):

«اگر طرف من پسری باشد که خانواده‌ام او را بپذیرند، یعنی ظاهر و وضع مالی و همه چیزش خوب باشه و خانواده بپسندند، از همون اول خانواده‌ام را در جریان می‌گذارم، ولی اگر یکی باشه که فقط خودم خوشم میاد و بدونم اگر به خانواده‌ام بگم مخالفت می‌کنه، ابتدا آشنایی بیشتری پیدا و سعی می‌کنم خود پسر، اول به خانواده‌اش بگه. اگه خانواده‌اش با من اکی باشند و مطمئن بشم، من هم خانواده را در جریان قرار می‌دهم و از اینجا به بعد، با حضور خانواده‌ها پیش می‌رویم»

مصاحبه‌شونده (۱۶):

«خودم ازدواج سنتی را بیشتر دوست دارم، نه اون سنتی خیلی قدیم، بلکه این روشی که ما داریم که یکی دو ماه رفت‌وآمد می‌کنند، ولی از اول تحت نظر خانواده‌اند و با تحت نظر آنها این اتفاق میفته»

نگرش عاملیت‌گرایانه

دومین نوع نگرش به ازدواج در دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان، نگرش عاملیت‌گرایانه است. این سنخ از نگرش به ازدواج، نقطه مقابل نگرش ساختارگرایانه است. بر طبق این نوع نگرش، افراد نقش بنیادی در انتخاب کردن فرد مناسب برای ازدواج دارند، می‌توانند زمان‌های طولانی را برای شناخت یکدیگر به صورت مستقل صرف کنند و بعد براساس

نفس ازدواج اهمیت دارد و شرایط رخ دادن آن برایشان چندان مهم نیست. ازدواج از نظر این افراد برای بقای زندگی اجتماعی و انسانی واجب است و نمی‌توان برای انجام آن بهانه‌تراشی کرد. مشخص است که هر دوی این رویکردها به ازدواج، کاستی‌هایی دارد که از ماهیت رادیکالی بودن آنها نشئت می‌گیرد. ازدواج پدیده‌ای است که در بستر اجتماعی رخ می‌دهد؛ اما در هر دوی این رویکردها، بستر اجتماعی به حاشیه رفته است. در رویکرد رادیکال اول، بستر حذف شده است و الگوهای متعارض با بستر اجتماعی، دنبال شده‌اند و در رویکرد دوم، بستر اجتماعی نادیده گرفته شده و ازدواج به یک ضرورت فطری و دینی تقلیل داده شده است. به هر حال، برخی از دانشجویان دارای نگرش‌های رادیکال (نفی یا تأیید)، در زمینه ازدواج‌اند.

مصاحبه‌شونده (۲۶):

«ما نمی‌توانیم به خاطر اینکه خودمون را از تنهایی دربیاریم، یک انسان دیگر را بدبخت کنیم یا چند تا نفر دیگر را بدبخت کنیم؛ بعد فرزندآوری کنیم، بچه‌ها را بدبخت کنیم. اجازه این کار را نداریم. از نظر انسانی درست نیست.»

مصاحبه‌شونده (۲۶):

«افرادی که دارند الان ازدواج می‌کنند، از سر جهالتشون ازدواج می‌کنند. هیچ چیزی از ازدواج نمی‌دانند. من در کارشناسی و ارشد و دکتری، یک دانشگاه بودم. دوستانی که در کارشناسی بودن، ۴ یا ۵ نفر بودند که ازدواج کردند و ۲ تا شون جدا شدند و این خودش نشون میده که این جهل خالص هست و اونهایی هم که الان ازدواج کردند، بالاخره رفیق هستیم و از زیر دهنشون درمیره که عجب غلطی کردم، نه از سر شوخی واقعاً جدی میگند. درسته مسئله را باز نمی‌کنند. کسی که اول زندگیش هست، دوست ندارد بگه تصمیم اشتباهی گرفتم، ولی قطعاً اون نارضایتی و ناامیدی را من دارم توشون می‌بینم؛ در همه‌شون خوب این یعنی چی؟ یعنی تعداد زیاده، شاید از این ۱۰ نفری که در اطرافم بودند و ازدواج کردند، شاید دو نفرشون باید ازدواج می‌کردند. بقیه نه شرایطش را داشتند، نه تفکر کرده بودند.»

نگرش عقلانیت‌محور

دارد و الآن خود دونفری که می‌خواهند ازدواج کنند، خودشون هستند که انتخاب می‌کنند.»

مصاحبه‌شونده (۲۳):

«مسئله‌ام اینه که بتوانم دختری که متناسب با عقاید من باشه انتخاب کنم. اون فردی که متناسب عقاید من باشه، در یک رابطه طولانی مدت خارج از ازدواج با من قرار نمی‌گیرد. چون اعتقاد من این نیست. ابتدا یک آشنایی اولیه باشد که ببینم آیا این دختر تمایل نسبت به من دارد یا نه. بعد اگر این تمایل هست، وارد مقوله ازدواج می‌شوم و یک مزاج‌سنجی می‌کنم از دختر که آیا مایل هست به این رابطه، خانواده‌ها وارد بشوند. حالا یا از طریق خودشون یا مادر و خواهر.»

نگرش رادیکال

نوع دیگر نگرش به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان، نگرش رادیکال است. بر مبنای این نوع نگرش، برخی از دانشجویان ازدواج را به کلی نفی می‌کنند و معتقدند هیچ ضرورتی ندارد که افراد بخواهند ازدواج کنند. این گروه، با ذکر شرایط و وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی، باور دارند که ازدواج نه تنها امری رهایی‌بخش نیست، افراد را نیز وارد باتلاق‌های مختلفی می‌کند که بعداً به راحتی نمی‌توانند از آن رها شوند. این افراد اعتقاد دارند که به جای ازدواج، می‌توان دنبال جایگزین‌های دیگری برای رفع نیازهای عاطفی، جنسی و اجتماعی بود. الگوهای دوستی موقت و ازدواج سفید، دو نوع جایگزینی‌اند که این افراد تمایل دارند به جای ازدواج، انتخاب کنند. این الگوها هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی ازدواج رسمی را برای آنان ندارد؛ اما در مقابل، رضای نیازهای عاطفی، جنسی و اجتماعی را برایشان به دنبال دارد؛ بنابراین، این افراد به طور کلی ازدواج را در وضعیت کنونی جامعه ایرانی نفی می‌کنند. برخی از این افراد نیز فلسفه ازدواج را به طور کلی رد می‌کنند و معتقدند ازدواج هیچ ضرورتی برای زندگی انسانی ندارد. در مقابل این گروه، عده‌ای دیگر از دانشجویان، ازدواج را یک ضرورت می‌دانند و معتقدند که حتی با در نظر گرفتن شرایط کنونی جامعه ایرانی، باید ازدواج کرد. از دیدگاه آنان ازدواج یک دستور دینی است و از فطرت انسان، سرچشمه گرفته است. برای این افراد،

است سودمندی‌های موقت داشته باشند، اما در بلندمدت نمی‌توانند سودمند باشند؛ بنابراین با یک تفکر عقلانی، از این الگوها دوری می‌کنند. این افراد معتقدند که می‌توانند شرایط اقتصادی و اجتماعی را به‌گونه‌ای برای خودشان تنظیم کنند که در نهایت آمادگی ازدواج را داشته باشند. آنان به‌مانند نگرش عاملیت، برای خودشان نقش قائل‌اند و برخلاف نگرش رادیکال، که به طرد و پیروی از الگوهای موقت منجر می‌شود، به‌دنبال تغییر شرایط برای تحقق ازدواج‌اند. در واقع، آنان خودشان را در زیر فشارهای ساختاری، ناتوان قلمداد نمی‌کنند، بلکه به‌دنبال تغییر شرایط برای نیل به اهداف خودشان‌اند. به هر حال، برخی از دانشجویان چنین نگرشی را دنبال می‌کنند و معتقدند ازدواج یک پدیده عقلانی است و باید به‌صورت منطقی خودشان را برای آن آماده کنند. البته این نگرش به تجارت‌محوری منجر نمی‌شود و در بخش بعد، بررسی می‌شود. در واقع، عقلانیت مدنظر در اینجا، ابزار محض نیست.

مصاحبه‌شونده (۲۷):

«وقتی که در جامعه‌ای زندگی می‌کنی که ازدواج کردن به تو هويت می‌دهد و فارغ از سن، هر وقت ازدواج کنی تازه تو تبدیل به یک بزرگسال میشی، خیلی سخته که ازدواج را کنار بگذاری و بگی من نیاز به ازدواج ندارم، چون یک عالم فشار روانی و اجتماعی بر تو بار می‌شود؛ اما اگر یکی به اون درجه‌ای رسیده باشد که این فشارها را نادیده بگیرد، به نظرم اگر حس کنه به ازدواج نیازی ندارد، لزومی ندارد بهش تأکید کنیم که ازدواج کنه. کما اینکه به نظرم جامعه، به این سمت داره میره، هم به لحاظ مشکلات اقتصادی، هم به لحاظ مشکلات قانونی، ازدواج که برای خانم‌ها پیش می‌آید، به این سمت میره که تأکید روی ازدواج نکنه».

مصاحبه‌شونده (۲۸):

«من خودم قبلاً با این مسیر که ازدواج کنیم و بچه‌دار بشیم، مخالف بودم و می‌گفتم خوب چه دلیلی دارد که انسان‌ها ازدواج کنند. چه اشکالی دارد به‌تنهایی زندگی کنیم؛ اما الآن اعتقاد دارم که تنهایی یک مسیری در زندگی هست، ولی برای یک‌سری آدم‌های خاص که اصلاً برای ازدواج نیستند، ولی یک انسان نرمال ضرورت داره که ازدواج کنه؛ چون اون نیازها و خواسته‌هاش را خودش نمی‌تونه برطرف کنه. ولی ۲ درصد، ۳ درصد هستند

برخلاف نگرش رادیکال، افرادی که نگرش عقلانیت‌محور دارند، به بسترهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ازدواج، اهمیت زیادی می‌دهند. آنان نه به کلی ازدواج را نفی می‌کنند و نه آن را یک ضرورت وجودی و فطری قلمداد می‌کنند، بلکه رویکردی متعادل را در پیش می‌گیرند. از نظر آنان، این بستر و شرایط موجود در جامعه است که تعیین‌کننده ازدواج و فرآیند رخ دادن آن است. البته نگاه آنان به بستر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، نگاهی رادیکال نیست و آن را به‌طور کلی نفی‌کننده ازدواج نمی‌دانند، بلکه به شرایط محدودکننده و تسهیل‌کننده ازدواج در جامعه به‌صورت منطقی و عقلانی می‌نگرند. این گروه از دانشجویان معتقدند که ازدواج و ضرورت آن، اولاً به شرایط شخصی و روانی افراد و دوماً به وضعیت و شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بستگی دارد. آنان ضرورت ازدواج یا ازدواج‌نکردن را به ویژگی‌های شخصیتی و ذهنی افراد نسبت می‌دهند و معتقدند که برخی ممکن است آن را یک ضرورت قلمداد کنند و تعدادی دیگر نه؛ این به آمادگی ذهنی و روانی افراد برای ازدواج بستگی دارد که اگر رخ بدهد، آن را ضروری قلمداد می‌کنند. از دیدگاه آنها بلوغ فکری، روانی و عاطفی، پیش‌نیاز ازدواج است. این بلوغ در بعضی از افراد ممکن است زودتر اتفاق بیفتد و در برخی دیگر، با تأخیر تحقق پیدا کند؛ بنابراین، سن ازدواج و ضرورت آن، به وضعیت روانی-عاطفی افراد بستگی دارد و ضرورت ازدواج یا نفی آن، باید بر مبنای شرایط روانی و ذهنی اتفاق بیفتد. دانشجویان با چنین نگرشی، معتقدند که فراهم شدن بسترهای روانی-عاطفی برای آنان ضروری است تا بتوانند به ازدواج‌کردن فکر کنند. علاوه بر این، شرایط اقتصادی و اجتماعی مناسبی نیز باید فراهم شود تا بتوانند ازدواج کنند. از دیدگاه آنان، ازدواج در بستر جامعه رخ می‌دهد و آنان نمی‌توانند از این جامعه فرار کنند و طرد خودخواسته را در پیش بگیرند. در مقابل، این افراد به محدودیت‌ها و پیامدهای منفی الگوهای دوستی موقت و ازدواج سفید نیز آگاه‌اند و به همین دلیل، چندان دنباله‌روی این الگوها نیستند. آنها به‌صورت عقلانی هزینه-فایده این الگوها را بررسی می‌کنند. هرچند از لحاظ اقتصادی، ممکن

مشخص، به تجاری‌سازی ازدواج منجر شده است. ازدواج بین دو خانواده، به یک مبادله تبدیل شده است که در آن، هرکدام به دنبال سود و منفعت خودشان‌اند. افرادی که نگرش تجارت‌محور به ازدواج دارند، چنین شرایطی را می‌پسندند و معتقدند خانواده‌ها باید به دنبال بیشترین منفعت از ازدواج فرزندان‌شان باشند؛ زیرا با این کار، هم موقعیت اقتصادی آنان در آینده تضمین می‌شود و هم در سطح اجتماعی، اعتبار و مشروعیت بیشتری برای آنان به بار می‌آید. به هر حال، افرادی که نگرش تجارت‌محور به ازدواج دارند، منفعت اقتصادی را مهم‌ترین مسئله در ازدواج قلمداد می‌کنند.

مصاحبه‌شونده (۲۴):

«[مباحث مالی] خیلی مهمه. خود من کسی هستم که با توجه به شرایط خانواده‌ام، ماشین دارم و مال خودم هست و اینکه طرف بیاد بگه من اصلاً ماشین ندارم، برام قابل قبول نیست. حال یک سری هستند پتانسیل این قضیه را دارند و روحیه تلاش را دارند که ماشین بخرند یا والدینش هستند که کمکش کنند، ولی اگر کسی باشه که من بخواهم تازه به اون کمک کنم، خوب هم کفو نیستیم و من مسلماً پدرم حاضر نمی‌شوند من بروم در سختی بیفتم و به یک نفر دیگر کمک کنم. این قضایا خیلی می‌طلبند که والدین یک فکری به حال پسرشون کرده باشند. ما یک فرهنگی داریم به نام جهیزیه و همین طوری که خانواده پسر حاضر نمی‌شوند دختر جهاز نداشته باشه و کم‌کم خودتون بخرید و انتظار جهاز را دارند و از اون طرف دختر هم انتظار یک خونه و ماشین داره، حالا من نمیگم خونه از خودش باشه، ولی بالاخره خانواده پسر باید به فکر باشند که یک بیس مالی داشته باشه، همین‌طور که انتظار دارند دختر خانم یک بیس جهاز را بیره و اگر انتظاری هست، برای دو خانواده هست؛ هم انتظار جهاز و هم انتظار خونه و ماشین».

مصاحبه‌شونده (۱۰):

«راستش اولین معیارم وضع مالی است؛ نه به معنای اینکه خیلی پولدار آن‌چنانی باشه، نه پول خودش، بلکه پول پدر مادرش و وضعیتی که توش بزرگ شده برام مهمه. من دوروبرم که نگاه می‌کنم، حتی توی دانشگاه منی که منطقه یک هستم و خونم منطقه یک هست، با کسی که خونش منطقه ۲ یا منطقه ۳ هست و کسی که از روستا آمده، دیده‌اشون خیلی فرق می‌کنه. دلم می‌خواد یه آدمی

آدم‌هایی که برای ازدواج نیستند و تنهایی راحت‌تر هستند، ولی ۹۷ و ۹۸ درصد باید ازدواج کنند و ضرورت دارد».

نگرش تجارت‌محور

نوع دیگر نگرش به ازدواج که در میان دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان وجود دارد، نگرش تجارت‌محور است. این نگرش نسبت به نگرش‌های دیگر، درصد کمتری را شامل می‌شود. بر مبنای این نگرش، افراد ازدواج را یک مبادله اقتصادی قلمداد می‌کنند که مبنای آن، منفعت اقتصادی افراد و خانواده است. کسانی که نگرش تجارت‌محور دارند، عموماً معیارهای مالی و اقتصادی در ازدواج، برایشان اولویت دارد. آنان به ازدواج به‌عنوان مسیری نگاه می‌کنند که می‌تواند موقعیت اقتصادی و مالی‌شان را بهبود بخشد. در نظر داشتن معیارهای اقتصادی به ازدواج، به خودی خود نشانه تجاری‌سازی ازدواج نیست؛ اما هنگامی که همه معیارها به معیارهای مالی و اقتصادی تقلیل پیدا می‌کند، نگاه تجارت‌محور بر ازدواج حاکم می‌شود. به هر حال، افرادی که چنین نگرشی دارند، ازدواج را یک ابزار برای بهبود موقعیت اقتصادی خودشان می‌دانند. برخی از دانشجویان معتقدند که ازدواج، به یک مبادله اقتصادی صرف بین خانواده‌ها تبدیل شده است و آنها نیز این وضعیت را قبول می‌کنند؛ زیرا باور دارند که بهترین تصمیم برای آینده آنان است. این مسئله را به‌طور مشخص می‌توان در شرایطی مشاهده کرد که خانواده‌ها برای ازدواج فرزندان‌شان می‌گذارند؛ شیربهای بالا، مهریه سنگین، اصرار بر تهیه جهیزیه کامل و سنگین، اصرار بر برگزاری مراسم‌های متعدد، به‌نام کردن خانه و مسکن هنگام ازدواج، خرید وسایل و کادوهای تجملی برای اعضای خانواده و ... از جمله این شرایط‌اند. علاوه بر این، برخی از والدین در ازدواج فرزندان خود به دنبال گزینه‌هایی‌اند که پیش‌بینی می‌کنند آینده اقتصادی مطلوبی دارند یا اینکه وضعیت خانوادگی آنها مطلوب است. در واقع، آنان به دیگر معیارهای اجتماعی و فرهنگی در ازدواج فرزندان‌شان توجه چندانی نمی‌کنند، بلکه معیارهای اقتصادی و وضعیت خانوادگی برای آنان اهمیت محوری دارد. این امر به‌طور

موقعیت اجتماعی مناسب‌تری را برای آنان به ارمغان می‌آورد و از لحاظ اقتصادی، استقلال بیشتری را فراهم می‌کند. این کارکردهای ازدواج از دیدگاه این افراد است که سبب می‌شود به ازدواج کردن تمایل داشته باشند.

مصاحبه‌شونده (۸):

«به نظرم آدم‌ها بعضی وقت‌ها خلأ عاطفی دارند که یک نفر می‌تواند واقعاً این خلأ عاطفی را پر کند. بعضی وقت‌ها یک انسان می‌تواند باعث شود که ویژگی‌های همسرش خیلی مثبت‌تر بشود یا مثلاً رو به رشد برود. البته نظر همه یکسان نیست. خیلی‌ها به این دلیل که تنها نباشند یا یک پشتیبان، یک حامی داشته باشند، ازدواج می‌کنند، ولی به شخصه دوست دارم وقتی ازدواج کنم که واقعاً بینم می‌توانم با یک نفر یک رابطه خوب و عاشقانه‌ای داشته باشم. صرفاً به دلیل داشتن یک حامی به ازدواج فکر نمی‌کنم».

مصاحبه‌شونده (۱۰):

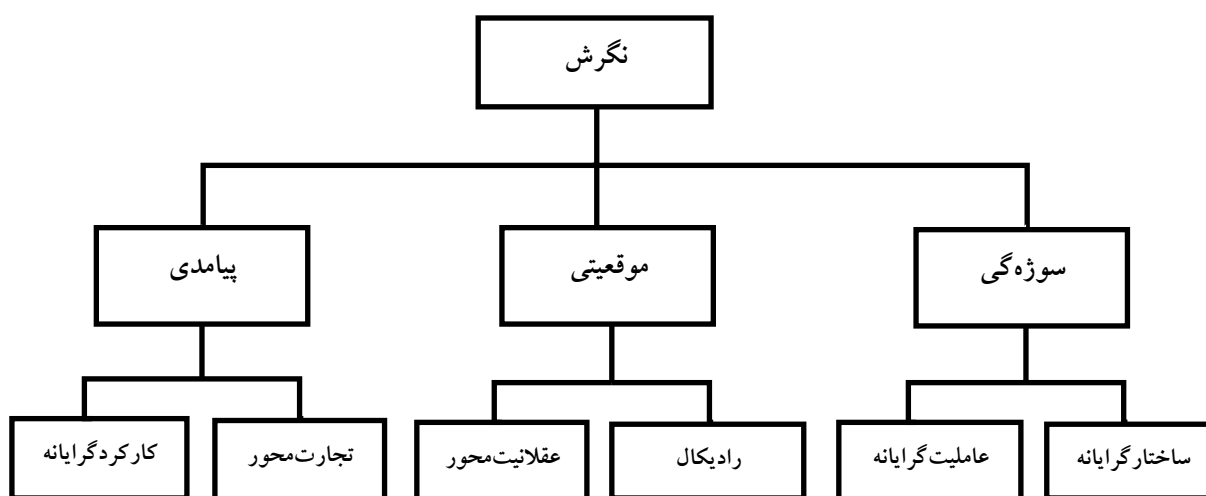
«فرد متأهل در جامعه، می‌تونه خیلی بهتر مشکلاتش را حل کنه. دید جامعه نسبت به افراد متأهل خیلی بهتره. تسهیلات و امکانات برای افراد متأهل بیشتر هست. یه آدم متأهل انگار آدم محترم‌تری هست و به نظر خود من، کسی را که ازدواج کرده، قابل احترام‌تره».

بنابراین براساس یافته‌های پژوهش، این‌گونه جمع‌بندی می‌شود که نگرش افراد مطالعه‌شده در رابطه با پدیده ازدواج، شامل سه گونه اصلی سوژگی، موقعیتی و پیامدی است. گونه سوژگی شامل نگرش ساختاری و عاملیت‌گرایانه است که بر گونه ساختاری برخاسته از جامعه سنتی و انگاره‌های فرهنگی و ارزشی مرتبط با آن و گونه عاملیت‌گرایانه، به‌عنوان گونه مقابل ساختارگرایانه، بر نقش عاملان تمرکز و تأکید دارد و تأثیر ارزش‌های سنتی و فرهنگی در آن کم‌رنگ است. نگرش موقعیتی در برگیرنده دو نوع نگرش رادیکال و عقلانیت‌محور است. گونه رادیکال، بر نفی ازدواج و گونه عقلانیت بر نوعی رویکرد متعادل به ازدواج دلالت دارد. درنهایت نگرش پیامدی نیز، شامل دو گونه نگرش تجارت‌محور و کارگردگرایانه است که گونه تجارت‌محور نوعی نگرش مبادله‌ای و منفعت‌طلبانه به ازدواج دارد و گونه کارگردگرایانه، کارکردها و پیامدهای مثبت ازدواج را در سطح فردی و اجتماعی مدنظر دارد.

باشه که چشم و دل سیر باشه، تو رفاه بزرگ شده باشه و از یک‌سری چیزها غنی باشه. اونها آخرش یکم تنگ نظرند و حسادت بیشتری دارند. می‌بینم قشنگ در پیشون، واقعاً نمی‌تونم تحمل کنم».

نگرش کارکردگرایانه

نوع دیگر نگرش به ازدواج در میان دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان، نگرش کارکردگرایانه است. این نوع نگرش بر کارکردهایی متمرکز است که ازدواج برای افراد به‌دنبال دارد. افرادی که نگرش کارکردگرایانه دارند، بیشتر به پیامدهای مثبتی نگاه می‌کنند که ازدواج می‌تواند برایشان به‌دنبال داشته باشد. از نظر آنان، ازدواج می‌تواند سبب تحولات روانی-عاطفی مثبتی در آنان بشود. آنان معتقدند ازدواج سبب می‌شود از لحاظ معنایی و هویتی دچار تغییر شوند، به آرامش عاطفی و روانی برسند و زندگی برای آنان معنایی جدید پیدا کند. این افراد همچنین باور دارند که ازدواج نظام شخصیتی‌شان را منسجم‌تر، کارآمدتر و متعالی‌تر می‌کند. علاوه بر این، ازدواج کارکردهای فردی دیگری را مانند پیشرفت و تعالی فردی، اشتراک دیدگاه‌ها و تصمیم‌گیری عاقلانه‌تر، مشخص شدن مسیر و تکلیف زندگی، کاهش دل‌مشغولی‌های معمولی، افزایش انگیزه زندگی، افزایش نشاط و شادی، پویایی بخشیدن به زندگی و تجربه لذت فرزندآوری داشته باشد. ازدواج علاوه بر کارکردهای فردی، از لحاظ اجتماعی نیز کارکردهای زیادی دارد. کسانی که نگرش کارکردگرایانه دارند، معتقدند ازدواج سبب می‌شود موقعیت بهتری در جامعه پیدا کنند، احترام اجتماعی بیشتری به دست بیاورند، سلامت اجتماعی بیشتری را تجربه کنند، سطح آسیب‌پذیری آنان کاهش یابد و رفتارهای اجتماعی سالم‌تری داشته باشند. علاوه بر این، ازدواج از دیدگاه این افراد، کارکردهای اقتصادی نیز دارد، آنان می‌توانند موقعیت اقتصادی بهتری را به دست بیاورند، استقلال مالی کسب کنند (به‌ویژه زنان) و فرصت‌های شغلی و اقتصادی مناسب‌تری برایشان فراهم شود. به هر حال، کسانی که نگرش کارکردگرایانه به ازدواج دارند، بر این باورند که ازدواج نظام شخصیتی و رفتاری آنان را بهبود می‌بخشد،



شکل ۱- گونه‌شناسی نگرش به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان

Fig 1- Typology of attitude towards marriage among students of Isfahan universities

بحث و نتیجه

پژوهش حاضر به دنبال ارائه یک گونه‌شناسی از نگرش به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان بود. نهاد خانواده تحت تأثیر تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در دهه‌های اخیر، تغییرات زیادی را تجربه کرده است که به نظر می‌رسد سهم ازدواج به عنوان بنیاد این نهاد، بیشتر بوده است. افزایش وسعت و شدت تغییرات، سبب شده است تا منابع معنایی در جهان کنونی متکثر شود که همین مسئله درباره ازدواج نیز، باعث تکثر در نگرش‌ها شده است. این چنین تحولات، سبک‌های زندگی و شیوه‌های تفکر در جامعه را متکثر کرده و نگرش‌های مختلف و بعضاً متعارض درباره ازدواج را در میان جوانان، به‌ویژه دانشجویان به دنبال داشته است. بر مبنای نتایج پژوهش حاضر، می‌توان شش گونه از نگرش به ازدواج را در میان دانشجویان، از همدیگر تفکیک کرد. این گونه‌های مختلف نگرش به ازدواج، بر مبنای سه فضای معنایی تقسیم‌بندی می‌شود: سوژگی، موقعیتی و پیامدی. سوژگی وضعیتی را شامل می‌شود که بر مبنای آن، نقش بازیگران (افراد/نهادها) در ازدواج، تعیین‌کننده نگرش به ازدواج می‌شود. در واقع، مسئله در اینجا، این است که آیا افراد در ازدواج‌کردن باید عاملیت داشته باشند یا اینکه به چارچوب‌های نهادی و ساختاری خانواده پایبند باشند؟ نگرش مبتنی بر عاملیت در ازدواج، عموماً نتیجه

فردگرایی، مدرنیته، تکثرگرایی، سبک‌های زندگی نوین و ... است که در جامعه سنتی وجود نداشته است؛ اما پایبندی به چارچوب‌های نهادی و ساختاری خانواده، عموماً نشانگر غلبه نظام معنایی و عینی جامعه سنتی است. به عبارت دیگر دانشجویانی که عاملیت‌محوری را در ازدواج می‌پسندند، عموماً خودشان را سوژه‌هایی مدرن می‌دانند که از نظام‌های ارزشی و هنجاری جامعه سنتی گذر کرده‌اند؛ اما دانشجویانی که پایبندی به چارچوب‌های نهادی و ساختاری را در ازدواج قبول دارند، هنوز خودشان را به نظام‌های ارزشی و هنجاری جامعه سنتی متعهد می‌دانند. براساس وضعیت سوژگی و نگاه دانشجویان به این مسئله، دو نگرش متفاوت نسبت به ازدواج، از یکدیگر تفکیک می‌شوند: ساختارگرایانه و عاملیت‌گرایانه. دانشجویانی که نگرش ساختارگرایانه دارند، معتقدند در ازدواج‌کردن باید پایبند نظام‌های معنایی، ارزشی و هنجاری خانواده باشند؛ اما دانشجویان دارای نگرش عاملیت‌گرایانه، اعتقاد دارند که خودشان به‌عنوان سوژه‌هایی مستقل، باید در ازدواج‌کردن و فرآیندهای آن نقش داشته باشند و نباید خود را پایبند چارچوب‌های خانوادگی بکنند. این دو نوع نگرش، فرمی از قطبی شدن در نگرش به ازدواج را در میان جوانان نشان می‌دهد، هرچند به نظر می‌رسد با توجه به مدرن‌شدن روزافزون جامعه ایرانی، نگرش عاملیت‌گرایانه به مرور در حال غالب شدن است. نگرش ساختارگرایانه به دست آمده در

اساس، نگرش این افراد منطقی و عقلانیت‌محور قلمداد می‌شود. نتایج این بخش در راستای نتایج کاظمی‌پور (۱۳۸۸) است که انتخاب مسیر را در ارتباط با مسئله ازدواج، در گروهی تحلیل عقلانی افراد از شرایط جامعه در زمینه‌های مختلف دانسته است.

بر مبنای وضعیت پیامدی نیز، می‌توان دو نوع نگرش متفاوت را در بین دانشجویان از همدیگر تفکیک کرد: نگرش تجارت‌محور و کارکردی. برخی از دانشجویان معتقدند ازدواج بیشتر از آنکه کارکردی مثبت داشته باشد، مسائل و مشکلات اقتصادی را برای افراد ایجاد می‌کند. از دید این گروه، ازدواج به یک تجارت تبدیل شده است که بر طبق آن خانواده‌ها و افراد، به دنبال کسب بیشترین منفعت اقتصادی از ازدواج‌اند. چنین مسئله‌ای از دید آنان سبب شده است تا این پدیده صرفاً یک پدیده اجتماعی و فرهنگی، با پیامدهای مثبت مشخص نباشد، بلکه یک پدیده اقتصادی شده است که پیامد آن فرمی از فلاکت اقتصادی برای افراد است. چنین نگرشی به‌طور مشخص، افراد را از ازدواج کردن بازمی‌دارد. این نتایج در راستای بخشی از نتایج حسینی و همکاران (۱۳۹۷) است. در مقابل، گروهی دیگر از دانشجویان بر کارکردهای ازدواج و به‌طور خاص، کارکردهای مثبت تأکید می‌کنند. از دید آنان ازدواج با وجود مسائل و مشکلات اقتصادی که ممکن است برای افراد به دنبال داشته باشد، سبب تقویت نظام شخصیتی و ذهنی افراد می‌شود، موقعیت اجتماعی اشخاص را تقویت می‌کند و حتی در نهایت، پیامدهای اقتصادی مثبتی را نیز برای افراد به دنبال خواهد داشت. این افراد عموماً ازدواج را بر مبنای کارکردهای مثبتشان می‌سنجند و به همین دلیل، نگرشی مثبت به ازدواج دارند. این نتایج در راستای پژوهش فروتن (۱۳۹۷) است.

با مقایسه نتایج پژوهش حاضر با رویکردهای نظری غالب در زمینه نگرش به ازدواج (رویکرد ساختاری و ایده‌ای)، می‌توان به این نتیجه رسید که نمی‌توان یکی از این رویکردها را به‌تنهایی برای فهم تحولات و گونه‌های نگرش به ازدواج در میان جوانان جامعه ایرانی مناسب دانست. همان‌طور که بحث شد، رویکرد ساختاری و نظریات ذیل آن، در فهم و

پژوهش حاضر، در راستای نتایج مطالعات نیکخواه و همکاران (۱۳۹۶) است. به‌طوری که در نگرش ساختاری، دینداری و خانواده‌گرایی و در نگرش عاملیتی، خصیصه هزینه فرصت، بیشترین ارجاع را دارد.

علاوه بر فضای سوژگی، فضای موقعیتی نیز می‌تواند مبنایی برای تقسیم‌بندی نگرش دانشجویان به ازدواج باشد. منظور از فضای موقعیتی، این است که دانشجویان ازدواج و ضرورت آن را در چه موقعیتی می‌بینند؟ آیا ازدواج از نظر آنان ضرورت دارد؟ این ضرورت را معطوف به چه مقولاتی مطرح می‌کنند؟

برخی از دانشجویان معتقدند ازدواج یک ضرورت وجودی و ذاتی است که به دلیل لزوم پاسخ منطقی به نیازهای عاطفی و جنسی، هر انسانی باید به آن پایبند باشد. در مقابل، گروهی دیگر بر این باورند که ازدواج هیچ ضرورتی ندارد و حتی در برخی موارد، ازدواج پدیده منفی و ویران‌کننده زندگی انسان‌ها قلمداد می‌شود. آنان بر این اساس، مجرد را بر ازدواج ترجیح می‌دهند. این نتایج در راستای نتایج تورنتون و فریدمن^۱ (1982) است که قائل به منفی‌تر شدن نگرش به ازدواج، به دلیل محدودیت در آزادی‌ها در گذر زمان است. هر دوی این نگاه‌ها به ازدواج، ماهیتی رادیکال دارند و در میانه این طیف، برخی دیگر از دانشجویان بر این باورند که آنچه تعیین‌کننده معنا و ضرورت ازدواج و فرآیند آن است، شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی غالب بر جامعه است. از نظر آنان این شرایط، بسترها و زمینه‌هاست که ماهیت و معنای ازدواج را مشخص می‌کند نه ماهیت وجودی و ذاتی آن. بر این اساس، ازدواج ممکن است در برخی شرایط مناسب باشد و در بعضی دیگر نه. از لحاظ فردی نیز همین مسئله صادق است. دانشجویانی که نگرشی عقلانیت‌محور دارند، شرایط شخصیتی، اقتصادی و فرهنگی خودشان را عامل محوری در ازدواج و تعریف آن در نظر می‌گیرند. آنان چندان باور ندارند که ازدواج عامل خوشبختی است و یا بدبختی ندارد، بلکه معتقدند این شرایط، افراد و مواجهه‌ی عینی آنان با ازدواج است که خوشبختی و بدبختی آنان را تعیین می‌کند. بر این

¹ Thornton & Friedman

ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: نشر روشنگران.

آقاسی، م. و فلاح، ف. (۱۳۹۴). نگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده. پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۶ (۱)، ۲۱-۱.

ایمان، م. و نوشادی، م. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. عیار پژوهش در علوم انسانی، ۳ (۶)، ۱۵-۴۴.

به‌نژاد، بهروز، ع.؛ باقری لنگرانی، ا.؛ مسجدی، ع.؛ دشتی، ش.؛ نشاط‌آور، ر.؛ سمیعی، م. و جعفری، ش. (۱۳۹۳). بررسی میزان تاثیر ازدواج بر آموزش و یادگیری دانشجویان دانشکده پزشکی شیراز در سال ۱۳۹۲، همایش کشوری آموزش علوم پزشکی.

حبیب‌پور گنابی، ک. و غفاری، غ. (۱۳۹۰). علل افزایش سن ازدواج دختران. زن در توسعه و سیاست، ۹ (۱)، ۳۴-۷.

حسینی، ن.؛ سیدمیرزایی، م. و ساروخانی، ب. (۱۳۹۷). واکاوی دلالت‌های معنایی ازدواج نزد جوانان (مطالعه موردی جوانان مجرد ساکن شهر تهران، سال ۱۳۹۶). زن در توسعه و سیاست، ۱۶ (۲)، ۲۷۰-۲۴۳.

حضرتی، س. و نوری، ر. (۱۳۹۹). بررسی نگرش به ازدواج براساس نگرش‌های مذهبی در دانشجویان دختر و پسر. پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، ۵ (۵۳)، ۴۷-۳۹.

خلجی نیا، ز.؛ عباسی، م. و خاکی، ا. (۱۳۹۷). تجربه زیسته ازدواج دانشجویی: مطالعه پدید‌شناسی. مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، ۱۲ (۵)، ۷۹-۸۹.

دلخمش، م. (۱۳۸۸). سلسله‌مراتب ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی. خانواده‌پژوهی، ۵ (۱۸)، ۲۳۰-۲۰۷.

دلخمش، م. (۱۳۹۲). بازخورد جوانان ایرانی به ازدواج: یافته‌های یک پیمایش ملی. روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۹ (۳۶)، ۳۳۱-۳۵۰.

رسولی، ا. (۱۴۰۰). نگرش جوانان درباره ازدواج سفید. ماهنامه آفاق علوم انسانی، ۵ (۱۵)، ۷۰-۵۱.

رضازاده، م.؛ صدری دمیرچی، ا. و قمری کیوی، ح. (۱۳۹۸). اثربخشی برنامه آموزش پیش از ازدواج بر نگرش درباره

تیین تحولات مرتبط با نگرش به ازدواج، بر مکانیزم‌های ساختاری تأکید دارند؛ اینکه تحولات عینی و ساختاری در حوزه‌های مختلف، چگونه نگرش به ازدواج را تغییر می‌دهند؟ (Goode, 1963). در رویکرد نگرشی، عمدتاً تمرکز و تأکید بر نقش تغییرات فرهنگی و ارزشی جوامع، نظیر رشد فردگرایی و سکولاریسم و همچنین اشاعه ایده‌ها و ارزش‌های غربی در تغییر رفتارها و ایده‌آل‌های مرتبط با ازدواج و خانواده است (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸؛ فیض‌آبادی، ۱۳۸۶: ۳۰-۲۷). نگرش‌های ساختارگرایانه، کارکردگرایانه، تجارت‌محور را می‌توان در چارچوب رویکرد ساختاری بحث‌شده و نگرش‌های عاملیت‌محور، رادیکال و عقلانیت‌محور را نیز در چارچوب رویکرد نگرشی قرار داد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد فهم تحولات نگرشی به ازدواج در جامعه ایرانی، به فهم نظری تلفیقی نیاز دارد. احتمالاً این مسئله به وضعیت در حال گذار جامعه ایرانی و آشفتگی‌های فرهنگی و ساختاری آن مرتبط است.

وضعیت و شرایط جامعه در حال گذار ایرانی، به‌گونه‌ای است که هم‌زمان از سوی جوانان، شاهد نگرش‌های مختلف و بعضاً متعارضی به ازدواج هستیم. این مسئله در یک جامعه مدرن‌شده، طبیعی به نظر می‌رسد؛ اما می‌تواند در روند ازدواج، پیامدهایی منفی را به دنبال داشته باشد؛ بنابراین به دلیل اهمیتی که نگرش‌ها به‌عنوان عامل تعیین‌کننده رفتارها دارند، فهم دقیق گونه‌ها و ابعاد آن و سیاست‌گذاری، به‌ویژه از سوی نهاد دانشگاه براساس این شناخت بنیادین، لازم است تا اثربخشی سیاست‌ها افزایش پیدا کند. در مطالعات مختلف بر سه الگوی یادگیری، شناختی و کارکردی در راستای تغییر نگرش تأکید می‌شود و در مقوله ازدواج، با ایجاد موقعیت‌های اقناع‌کننده برای دانشجویان، به‌ویژه در مقاطع عالی که از جهات مختلف، مخاطبان متمایزی از گروه‌های دیگر هدف در سیاست‌گذاری ازدواج به شمار می‌روند، می‌توان تأثیر بر نگرش‌ها را در دستور کار قرار داد.

منابع فارسی

اعزازی، ش. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش،

- ازدواج، تاب‌آوری و انتظار از ازدواج. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۹(۱۱)(۲۷)، ۱۰۹-۱۲۴.
- رشیدی، م. (۱۴۰۱). اثربخشی مشاوره پیش از ازدواج بر نگرش به ازدواج، نگرش به انتخاب همسر و انتظار از ازدواج در دختران دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی. کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی.
- سهراب‌زاده، م. و پرنیان، ل. (۱۳۹۵). سنج‌بندی گرایش به ازدواج در بین دختران (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شیراز). تحقیقات فرهنگی ایران، ۹(۱)، ۸۳-۱۱۴.
- صادقی، س. و عرفان‌منش، ا. (۱۳۹۲). تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن‌شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی. زن در فرهنگ و هنر، ۱۵(۱)، ۶۱-۸۲.
- صباغچی، م.؛ عسکری ندوشن، ع. و ترابی، ف. (۱۳۹۶). عوامل تعیین‌کننده نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در شهر یزد. مطالعات جمعیتی، ۳(۱)، ۱۶۲-۱۳۱.
- عباسی شوازی، م.ج. و حسینی، م. (۱۳۹۰). تحولات باروری، تنظیم خانواده و سیاست‌های جمعیتی در ایران. مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۱۵(۳)، ۸-۲۵.
- عسکری ندوشن، ع.؛ عباسی شوازی، م. و صادقی، ر. (۱۳۸۸). مادران، دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد). مطالعات راهبردی زنان، ۱۱(۴۴)، ۷-۳۶.
- غنیمتی، ح. و مهدوی، م. (۱۳۸۴). بررسی آثار و نتایج ازدواج دانشجویی در ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. جامعه‌شناسی، ۹(۱۱)، ۷۷-۹۸.
- فروتین، ی. (۱۳۹۷). رویکرد اجتماعی به الگوهای ازدواج در ایران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۳(۲۶)، ۹-۳۶.
- فیض‌آبادی، ر. (۱۳۸۶). بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی ازدواج در ایران (تغییرات الگوی ازدواج طی دوره ۸۵-۶۵). پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- قوتی سفید سنگی، ع.؛ شهابی، م. و حسن‌زاده، ح. (۱۳۹۵).
- تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر رضایت در ازدواج‌های دانشجویی. جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، ۶(۲۱)، ۱۳۵-۱۵۶.
- کاظمی‌پور، ش. (۱۳۸۸). سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تأکید بر ازدواج‌های دانشجویی. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۱۳(۲)، ۷۵-۹۵.
- کریمی، ا. (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل نگرش جوانان به ازدواج و فرزندآوری. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۲۰(۵۲)، ۲۹۲-۲۷۵.
- گنجی، م. پیری، ح. و واحدیان، م. (۱۴۰۰). گونه‌شناسی دختران ازدواج‌نکرده ایلامی برحسب دلایل مجرد. مطالعات زنان و خانواده، ۹(۱)، ۱۸۹-۲۱۲.
- محمدپور، ا. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ۲، تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدپور، ا.؛ صادقی، ر.؛ رضایی، م. و پرتوی، ل. (۱۳۸۸). سنت، نوسازی و خانواده: مطالعه تداوم و تغییرات خانواده در اجتماع‌های ایلی با استفاده از رهیافت روش تحقیق ترکیبی. زن در توسعه و سیاست، ۷(۴)، ۷۱-۹۳.
- محمودیان، ح. (۱۳۸۳). سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان. نامه علوم اجتماعی، ۱۱(۴)، ۲۷-۵۴.
- مظاهری، م.؛ حیدری، م. و پوراعتماد، ح. (۱۳۸۲). مقایسه بهداشت روانی در زوج‌های جشن‌های ازدواج دانشجویی و زوج‌های عادی. روان‌شناسی، ۷(۱)، ۷۲-۵۲.
- مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. (۱۴۰۱). آمار آموزش عالی. مهاجرانی، ع.ا. (۱۳۸۹). تحول وضع زناشویی و تغییر الگوی سنتی ازدواج. علوم اجتماعی، ۴(۱۱)، ۴۱-۵۳.
- نیکخواه، ه.ا.؛ فانی، م. و اصغرپور ماسوله، ا. (۱۳۹۶). سنجش نگرش دانشجویان به ازدواج و عوامل مؤثر بر آن. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۸(۳)، ۹۹-۱۲۲.
- یاری‌نسب، ف.؛ توحیدی، ا.؛ حیدری، ع.؛ عسکری، ز.؛ ابراهیمی، ف. و درویشی، س. (۱۳۹۴). نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج موقت (مورد مطالعه: دانشگاه

Evolutionary and Educational Psychology Journal, 1(1), 42-50.

- Frouten, Y. (2017). Social approach to marriage patterns in Iran. *The Journal of Iranian Demographic Society*, 13 (26), 9-36 [In Persian].
- Ganji, M., Piri, H., & Vahidian, M. (2021). Typology of unmarried elamite girls according to the reasons of celibacy. *The Journal of Women and Family Studies*, 9(1), 189-212 [In Persian].
- Ghanimati, H., & Mahdavi, M. (2008). Investigating the impact of student marriage on the general functional dimensions of the social system. *Family Studies*, 4(16), 387-405. [In Persian].
- Ghoti Sefidsangi, A., Shahabi, M., & Hassanzadeh Chokanlou, H. (2015). Sociological analysis of factors affecting satisfaction in student marriages. *Sociological Studies of Youth*, 6(21), 135-156. [In Persian].
- Goode, W. J. (1963). *World revolution and family patterns*. New York: Free press.
- Habibpour Getabi, K., & Ghaffari, G. (2011). The causes of the increase in the marriage age of girls. *The Journal of Women in Development and Politics*, 9 (1), 7-34 [In Persian].
- Hazrati, S., & Nouri, R. (2019). Investigation of attitude towards marriage based on religious attitudes in male and female students. *The Journal of New Advances in Behavioral Sciences*, 5 (53), 47-39 [In Persian].
- Higgins, L. T., Zheng, M., Liu, Y., & Sun, C.H. (2002). Attitudes to marriage and sexual behavior: a survey of gender and culture differences in china and united kingdom. *Sex Roles*, 46(3-4), 75-89.
- Hosseini, N., Seyed Mirzaei, M., & Sarokhani, B. (2017). Analysis of the semantic implications of marriage among young people (A case study of unmarried young people living in Tehran in 2016). *The Journal of Women in Development and Politics*, 16 (2), 270-243 [In Persian].
- Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Journal of Qualitative Health Research*, 15 (9), 1277-1288.
- Iman, M., & Noshadi, M. (2011). Qualitative content analysis. *Ayar Journal of Research in Human Sciences*, 3(6), 44-15. [In Persian].
- Jones, G.w. (2004). *Not "when to marry" but "whether to marry": The changing context of marriage decisions in East and Southeast Asia*. Untying the knot: Ideal and reality in Asian marriage, 3-58.
- Karimi, A. (2021). Investigation and analysis of young people's attitude towards marriage and childbearing. *The Journal of Scientific Strategic Studies of Sport and Youth*, 20(52), 292-275 [In Persian].
- Kazmipour, Sh. (2009). Measuring young people's attitude towards marriage and understanding its effects and consequences with an emphasis on student marriages. *The Journal of Culture in Islamic University*, 13 (2), 75-95 [In Persian].
- Khaljinia, Z., Abbasi, M., & Khaki, I. (2017). The

شهید باهنر کرمان). فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۵ (۳)،

۳۴۷-۳۶۴

References

- Abbasi Shawazi, M. J., & Hosseini Chavoshi, M. (2017): Changes in fertility, family planning and demographic policies in Iran, *Epistemological Studies in Islamic University*, 15 (3), 25-8. [In Persian]
- Abercrombie, N., & Longhurst, B.J. (1998). *Audiences: a sociological theory of performance and imagination*, Sage.
- Adzovie, R. H., & Dabone, K. T. (2021). Relationship between premarital counselling and marital success: Perceptions of married Christians in Ghana. *International Journal of Psychology and Counselling*, 13(1), 10-16.
- Aghasi, M., & Fallah Min Bashi, F. (2016). The attitudes of iranian youth towards marriage, marriage partner selection and forming a family. *The Journal of Women's Studies*, 6(0), 1-2 [In Persian].
- Armenia, A., & Troia, B. (2017). Evolving opinions: Evidence on marriage equality attitudes from panel data. *Social Science Quarterly*, 98(1), 185-195.
- Askari Nadushan, A., AbbasiShawazi, M., & Sadeghi, R. (2009). Mothers, daughters and marriage (Generational differences in the ideas and attitudes of marriage in the city of Yazd). *The Journal of Women's Strategic Studies*, 11 (44), 7-36 [In Persian].
- Cheng, Y. H. A., & Yang, C. L. W. (2021). Continuity and changes in attitudes toward marriage in contemporary Taiwan. *Journal of Population Research*, 38(2), 139-167.
- Creswell, J. W., & Miller, D. L. (2000). Determining validity in qualitative research. *Theory into Practice*, 39(3), 124-130.
- Delkhmosh, M. (2009). Ranks of marriage values in young Iranians. *The Journal of Family Research*, 5 (18), 207-230 [In Persian].
- Delkhmosh, M. (2012). Iranian youth's response to marriage: findings of a national survey. *The Journal of Evolutionary Psychology: Iranian Psychologists*, 9 (36), 350-331 [In Persian].
- Ezazy, Sh. (2010). *Sociology of the family: emphasizing the role, structure and function of the family in the contemporary era*, Tehran: Roshangaran Publications. [In Persian].
- Faizabadi, R. (2008). *Investigating the demographic characteristics of marriage in Iran (changes in women's marriage patterns during the period 1365-1385)*. Master's Degree, Allameh Tabatabai University, Supervisor: Korosh Mehrtash. [In Persian].
- Fallahchai, R., & Fallahi, M. (2019). Gender differences in expectations, purposes and attitudes to marriage in university students. *Iranian*

- from marriage. *The Journal of Counseling and Family Psychotherapy*, 9(1), 109-124 [In Persian].
- Sabbaghchi, M., AskariNadushan, A., & Turabi, F. (2016). Determining factors of attitude towards marriage and family formation in Yazd City. *The Journal of Population Studies*, 3 (1), 131-162 [In Persian].
- Sadeghi Fasaei, S., & Erfan Menesh, I. (2012). Sociological analysis of the effects of modernization on the Iranian family and the reform of the Islamic Iranian model. *Women in Culture and Art (Women's Studies)*, 5(1), 61-82. [In Persian]
- Sohrabzadeh, M., & Parnian, L. (2015). Classification of propensity to marry among girls (Case study: Students of Shiraz University). *The Journal of Iranian Cultural Research*, 9(1), 83-114 [In Persian].
- Thornton, A. (1995). *Attitudes, values, and norms related to nonmarital fertility*. In Report to Congress on out-of-wedlock childbearing, pp. 201-215. Washington, DC: US Government Printing Office.
- Thornton, A., & Freedman, D. (1982). Changing attitudes toward marriage and single life. *Family Planning Perspectives*, 14(6), 297-303.
- Yari-Nasab, F., Tawhidi, A., Heydari, A., Askari, Z., Ebrahimi, F., & Darvishi, S. (2014). Students' attitude towards temporary marriage (Case study: Shahid Bahonar University, Kerman). *The Journal of Culture in Islamic University*, 5 (3), 364-347 [In Persian].
- lived experience of student marriage: A phenomenological study. *Journal of Qom University of Medical Sciences*, 12(5), 79-89. [In Persian].
- Martin, P. D., Specter, G., Martin, D., & Martin, M. (2003). Expressed attitudes of adolescents toward marriage and family life. *Adolescence*, 38(150), 359.
- Mahmoudian, H. (2004). The age of marriage is increasing: a review of supporting factors. *Journal of Social Sciences*, 11(4), 27-54. 275 [In Persian].
- Mazaheri, M., Heydari, M., & Pouretmad, H. (2003). Comparison of mental health in student wedding couples and normal couples. *Journal of Psychology*, 7(1 (25)), 52-72. [In Persian].
- McDonald, P. (2006). Low fertility and the state: The efficacy of policy. *Population and Development Review*, 32(3), 485-510.
- McClendon, D. (2017). Religion, marriage markets, and assortative mating in the united states. *J Marriage Fam*, 78(5), 1399-1421.
- Ministry of Science, Research and Technology Institute for Research & Planning in Higher Education (2022). Statistics of higher education. [In Persian].
- Mohajerani, A. (2010). The evolution of marital status and the change of the traditional pattern of marriage. *The Journal of Social Sciences*, 4 (11), 53-41 [In Persian].
- Mohammadpour, A., Sadeghi, R., Rezaei, M., & Partovi, L. (2009). Tradition, modernization and family: Studying family continuity and changes in ili communities using a mixed research approach. *The Journal of Women's in Development and Politics*, 7 (4), 71-93 [In Persian].
- Mohammadpour, A. (2012). Qualitative research method against method 2. Tehran: Sociologists [In Persian].
- Nikkhah, H., Fanny, M., & Asgharpour Masuleh, A. (2016). Measuring students' attitudes towards marriage and factors affecting it. *Journal of Applied Sociology*, 28 (3), 122-99 [In Persian].
- Qian, Z., & Lichter, D. T. (2018). Marriage markets and intermarriage: Exchange in first marriages and remarriages. *Demography*, 55(3), 849-875.
- Rashidi, M. (2022). *The effectiveness of pre-marital counseling on attitude towards marriage, attitude towards choosing a spouse and expectation from marriage in female students of Islamic Azad University*. International conference of psychology, educational sciences and lifestyle [In Persian].
- Rasouli, A. (1400). Young people's attitude about white marriage. *The Journal of Afaq Human Sciences*, 5 (15), 51-70 [In Persian].
- Reynolds, C. W. (1999). *Steering behaviors for autonomous characters*. In game developers conferencz, 763-782.
- Rezazadeh, M., Sadri, I., & Qamari, H. (2018). The effectiveness of pre-marital education program on attitude about marriage, resilience and expectation